

دستاوردها، چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌های آموزش عالی

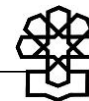
معاونت پژوهش‌های فرهنگی - اجتماعی
دفتر: مطالعات آموزش و فرهنگ

کد موضوعی: ۲۷۰
شماره مسلسل: ۱۶۷۵۱
آذرماه ۱۳۹۸

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	روش پژوهش
۵.....	دستاوردهای آموزش عالی
۸.....	چالش های آموزش عالی
۸.....	مفهوم چالش
۲۲.....	بحران های آموزش عالی
۲۲.....	مفهوم بحران
۳۰.....	پیشران های آموزش عالی
۳۰.....	مفهوم پیشران
۳۸.....	اولویت بندی چالش ها و پیشران های آموزش عالی
۴۳.....	نتیجه گیری
۴۵.....	منابع و مآخذ



دستاوردها، چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌های آموزش عالی

چکیده

گسترش نظام آموزش عالی دستاوردهای قابل اتکایی برای کشور به همراه داشته است. رشد تعداد دانشگاه‌ها، دانشجویان و اعضای هیئت علمی به عنوان منابع اصلی توسعه کشور، حضور برخی دانشگاه‌های کشور در رتبه‌بندهای معتبر بین‌المللی، کسب رتبه اول از نظر رشد علمی در بین کشورهای دنیا، کسب رتبه علمی برتر در منطقه، پیشگامی در برخی از رشته‌های علمی نوپا مانند زیست فناوری، نانو و علوم شناختی، رشد و توسعه زیرساخت‌های علمی و فنی مانند پارک‌ها، مراکز رشد و شرکت‌های دانش‌بنیان و افزایش فوائد حاصل از این امکان‌ها به‌ویژه تولید محصولات فناورانه و ... بخشی از دستاوردهای آموزش عالی کشور به‌شمار می‌روند. نظام آموزش عالی در کنار این دستاوردها در مراحل ورودی، فرایند و خروجی، غالباً با چالش‌ها و بحران‌هایی روبه‌رو شده و می‌شود که کارکرد آن را با اخلال مواجه ساخته است. اگرچه تشخیص برخی از این مسائل به آسانی امکانپذیر است، لکن شناسایی برخی از آنها نیازمند روش علمی دقیق و عمیق است. در این راستا اشخاص و نهادهای مختلف (سیاستگذاران، مدیران، پژوهشگران و ...) به اقتضای جایگاه و نقش خود، تعدادی از این چالش‌ها و بحران‌ها را شناسایی نموده‌اند. در گزارش حاضر پس از اشاره تفصیلی به دستاوردهای آموزش عالی؛ چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌های آموزش عالی از منابع مختلف (بیانات رهبری، اسناد بالادستی، تحقیقات انجام گرفته و اظهارنظر مسئولان) شناسایی و احصا شده‌اند. در گزارش حاضر ضمن فهرست کردن ۱۵ چالش، ۶ بحران و ۹ پیشران بر مبنای معیارهای موجود، با استفاده از گروه کانونی موارد فوق اولویت‌بندی شده‌اند. در نتیجه، چالش آمایش آموزش عالی در صدر چالش‌ها و از بین پیشران‌ها، شکل‌گیری نهاد اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی در اولویت اول قرار گرفتند. بر مبنای اولویت‌های مشخص شده، از میان سه شیوه واکنش (شامل قرار گرفتن در دستور کار اجرایی، سیاست‌پژوهی و گفت‌وگو سازی) جهت مواجهه با هر یک از چالش‌ها و پیشران‌ها، پیشنهادهایی ارائه شده است. بدیهی است که حل هر یک از چالش‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزش عالی، نیازمند بسته‌های سیاستی ویژه است. از همین‌رو در هر یک از چالش‌ها، بحران‌ها و ظرفیت‌ها گزارش ویژه‌ای منتشر خواهد شد.

نظام آموزش عالی ایران برای عبور از برخی چالش‌ها و بحران‌های پیش‌رو نیازمند رویکرد همه‌جانبه و تلاش برای حل آنهاست. بنابراین به‌منظور تغییر، اصلاح و نوآوری در نظام آموزش عالی کشور، لازم است تحلیل راهبردی و بررسی دقیق و عمیقی از سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و خرد آموزش عالی در سطوح مختلف داشت. داشتن رویکرد همه‌جانبه نسبت به آموزش عالی موجب خواهد شد تا در کنار توجه به دستاوردهای آموزش عالی، چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌ها (ظرفیت‌ها) آن مورد ارزیابی و شناسایی قرار گیرند، این امر به مدیران و سیاستگذاران کمک می‌کند تا به بررسی و مطالعه سیاستگذاری‌ها و تصمیمات کلان بیندیشند و تأثیر اقدامات خود را در سطوح مختلف آموزشی، پژوهشی و فناوری نظاره‌گر باشند. درواقع برنامه‌ریزان و سیاستگذاران آموزش عالی با مطالعه، بررسی و ارزیابی سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و راهبردهای آموزش عالی قادر می‌شوند تا به بازنگری، اصلاح و یا آنکه خلق و تدوین برنامه‌های جدید مبادرت کنند.

بررسی‌های اولیه نشان از آن دارد که چالش‌ها و بحران‌های مختلفی نهاد آموزش عالی کشور را تحت تأثیر خود قرار داده و در برخی موارد ادامه حیات آن را به‌خطر انداخته است. با وجود این در هر برهه زمانی اهمیت این مسائل و چالش‌های آن یکسان نبوده و هر از چندگاهی مؤسسات آموزش عالی را با دشواری‌هایی مواجه ساخته است. چالش‌ها و بحران‌های موجود در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که درهم تنیدگی و پیچیدگی آنهاست؛ در برخی موارد خود سبب بروز چالش‌ها و مسائل دیگری نیز شده‌اند. بر این منبأ و با استناد به سیستمی بودن آموزش عالی؛ لازم می‌نماید که رویکرد نظام‌مند نسبت به موضوعات آموزش عالی^۱ داشت.^۲ از این‌رو ضروری است که آگاهانه و منتقدانه با تأکید بر رویکرد نظام‌مند، دستاوردها، چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌های آموزش عالی کشور نقد و بررسی علمی شوند و در مواجهه با آنها نیز رویکرد نظام‌مند در برنامه‌ها و سیاست‌ها در نظر گرفته شود.

یافتن راهکار در موضوعات متنوع آموزش عالی تا حدی مشکل است. به‌گونه‌ای که امکان دارد یک راه‌حل صوری و سطحی در واکنش به بحران بیکاری دانش‌آموختگان که معمولاً به اشتباه به‌عنوان چالش مطرح است، ارائه شود. مانند نمونه هنگامی که از بحران تقلب علمی به‌عنوان چالش یاد می‌شود و بالعکس هنگامی که از چالش ضعف استقلال دانشگاهی به‌عنوان بحران نام برده می‌شود. بنابراین در این گزارش بخشی به مفهوم گشایی این مفاهیم اختصاص یافته است. در اینجا چند نکته حائز اهمیت است

۱. وجود درهم تنیدگی، کثرت و تنوع، پیچیدگی در کنار سایر عوامل ناشناخته آموزش عالی موجب شده است که داشتن نگاه خطی و ساده‌نگر نسبت به آموزش عالی، کمکی به فهم سازوکار، حل مسائل و بهبود آن نکند. بنابراین با بهره‌گیری از رویکرد سیستمی در آموزش عالی و استفاده از مفاهیم خاص آن (جزء در کل و کل در جزء؛ نگاه هولوگرافیک؛ تحلیل، ترکیب (سنتز)، تفکر همه‌جانبه‌نگر و...) می‌توان سازوکارهای آن را فهم کرد و هنگام مواجهه با مشکلات، چالش‌ها و بحران‌ها، بهتر می‌توان به حل و رفع آنها مبادرت ورزید.

۲. صالح رشید حاجی خواجه‌لو و یوسف زلفی اقدم و احسان پروین، تدوین نظام مسائل آموزش عالی ایران، مجمع عالی بسیج، ۱۳۹۶.



نخست اینکه دستاوردهای آموزش عالی باید در کنار چالش‌ها، بحران‌ها و انتقادهای آن در یک ظرف دیده شود. دوم اینکه چالش‌ها وابسته به زمان هستند؛ ممکن است یک موضوع^۱ در گذشته به عنوان چالش مطرح بوده باشد، اما اکنون تهدیدهای آن رفع شده و به فرصت تبدیل شده یا اینکه از حالت چالشی بودن خارج شده و به بحران تبدیل شده باشد. برای مثال چالش رشد جمعیت و تقاضای ورود به آموزش عالی در اواسط دهه ۱۳۸۰ شمسی با گسترش بی رویه نهادهای آموزش عالی پاسخ داده شده، غافل از اینکه چالش مذکور، هم‌اکنون کشور و به‌ویژه نظام آموزش عالی را با بحران بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی مواجه کرده است. نکته دیگر درخصوص چالش‌ها و بحران‌های آموزش عالی این است که علت و معلول غالباً با هم اشتباه گرفته می‌شوند و به جای ارائه راهکار برای رفع علت، تمرکز روی معلول است. بنابراین شناخت علت موضوعات و پرداختن به آنهاست که اهمیت دارد و شرایط را بهبود می‌بخشد. نکته آخر مسئله نسبت ظرفیت‌های بالقوه آموزش عالی به چالش‌هاست که باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا ممکن است یک ظرفیت جدید، مسبب چالش‌های جدید شود. بنابراین شناخت ظرفیت‌ها و نسبت آنها با چالش‌های حاضر و چالش‌های منبعت از آن، بسیار اساسی است. پیشران‌ها وظیفه پیش بردگی و حل چالش‌ها را به صورت همزمان انجام می‌دهند. بنابراین تمرکز بر پیشران‌ها به معنای بی‌اعتنایی به چالش‌ها نیست.

روش پژوهش

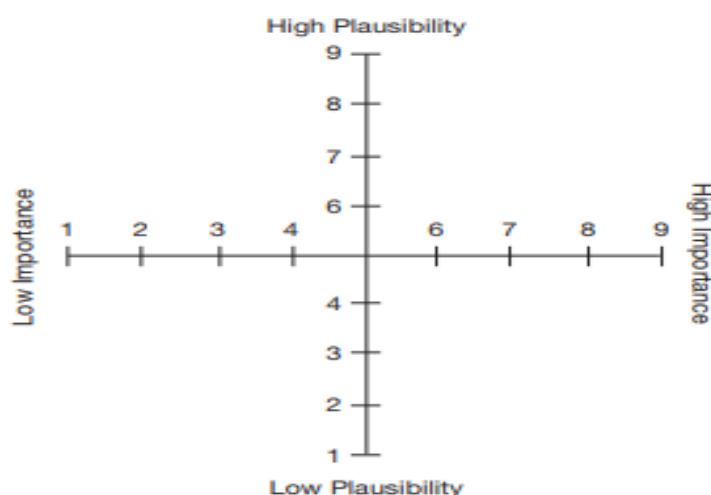
قبل از ورود به فرایند شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌های آموزش عالی؛ دستاوردهای آموزش عالی با تأمل در گزارشات معتبر داخلی و خارجی، به‌دست آمد. سپس فرایند شناسایی و احصای چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌های آموزش عالی، اولویت‌بندی و ارائه راهکارها برای هر کدام به‌ترتیب زیر بوده است:

۱. از بین پنج منبع ممکن بیانات مقام معظم رهبری، اسناد و قوانین بالادستی، اظهارنظر مسئولان، مصاحبه با صاحب‌نظران، پژوهش‌ها و سیاست‌پژوهی‌های انجام گرفته؛ چهار منبع انتخاب و چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌های آموزش عالی از درون آنها شناسایی و احصا شدند.
۲. در این مرحله با استفاده از گروه کانونی (متشکل از ۵ نفر از محققان حوزه آموزش عالی) و بر مبنای چهار معیار گلوگاهی بودن؛ فرصت سیاست‌گذاری؛ برتری و ناسازگاری و نظام ارزشی و سیاسی

۱. در فرهنگ لغت کمبریج واژه موضوع (Issue) این‌گونه آمده است: موضوع یا مشکلی است که مردم در حال فکر کردن یا صحبت کردن در مورد آن هستند. به عبارتی موضوع، مفهومی است که درخصوص آن بحث و جدل وجود دارد.

و با استفاده از محور مختصات تحلیلی دان^۱ (محور X اهمیت^۲ و محور Y قابلیت اعتماد را نشان می‌دهد)^۳؛ اولویت‌بندی‌ها انجام شد.

نمودار ۱. محور مختصات تحلیلی دان (Dunn)



Source: William N. Dunn; 2014, P: 107.

گروه کانونی بر مبنای ۴ معیار [اینکه مسئله تا چه حد گلوگاهی است. در اینجا از قاعده ۸۰/۲۰ استفاده شده است. به این معنا که ۲۰ درصد مسائل دیگر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و همچنین ۲۰ درصد مسائل اهمیت بیشتری نسبت به ۸۰ درصد مسائل دیگر دارد. به عنوان مثال طبق قاعده ۸۰/۲۰؛ چند درصد مسائل b,c,d,... ناشی از a است. معیار دوم فرصت سیاستگذاری‌های احتمالی و فوریت این مسئله (که بر هزینه و زمان تأکید دارد) است و معیار سوم ویژگی برتری^۴ و ناسازگاری^۵ (Fischer, Miller, Sidney, 2007: 429). برتری به امر اجماع اشاره دارد: اینکه درخصوص یک مسئله تا چند در جامعه (رسانه، مسئولان، پژوهش‌ها، جامعه تخصصی و عمومی) اجماع وجود دارد و ویژگی ناسازگاری به این مهم اشاره دارد که مسئولان تا چه حد درخصوص مسئله مورد نظر با هم اختلاف نظر دارند. بنابراین بین ویژگی برتری و ناسازگاری رابطه عکس برقرار است. یعنی برای اینکه مسئله‌ای در اولویت بالاتری قرار بگیرد؛ باید از برتری بیشتری و ناسازگاری کمتری برخوردار باشد. ملاک و معیار چهارم این بود که مسئله تا چه میزان در نظام ارزشی و سیاسی

-
1. Dunn
 2. Importance
 3. Plausibility
 4. Advantage
 5. Incompatibility



از اولویت برخوردار است. برای این امر و با استناد به تحلیل بیانات رهبری و اسناد بالادستی (که مبتنی بر نظام ارزشی و سیاسی هستند) به عنوان دو منبع شناسایی این مسائل؛ مشخص شد کدام مسائل بیشتر مورد تأکید قرار گرفته اند. در رویکرد عقلانی خط مشی گذاری؛ خط مشی انتخابی باید ارزش های جامعه و همچنین نسبت هزینه و فایده خط مشی انتخابی را نیز مد نظر داشته باشد؛ و با استفاده از مدل تحلیلی دان به هر چالش و پیشران نمره ای اختصاص دادند؛ پس از وارد کردن نمرات در نرم افزار Excel میانگین آنها برای هر مورد محاسبه و در نهایت اولویت ها مشخص شدند.

۳. براساس اولویت بندی های مرحله قبل و با توجه به ظرفیت بودجه ای و زمانی ۳ نوع برخورد و واکنش تشخیص داده شد. الف) برخی از مسائل از جنس **دستورکار اجرایی** هستند (آماده برای اجرا) به عبارتی در اینجا سند و برنامه وجود دارد؛ فقط لازم است در دستور کار اجرایی قرار بگیرد ب) برخی از مسائل از جنس **سیاست پژوهی** هستند (یعنی نیاز به پژوهش و بررسی دارند و هنوز ابعاد مسئله به خوبی شناسایی نشده که بتواند در دستور کار سیاستی قرار گیرد) این مورد می تواند انواعی داشته باشد؛ **یکم:** بعضی از مسائل در قالب گزارش سیاستی می توانند قرار گیرند (یعنی پژوهش های زیادی انجام گرفته و کافی است از درون این پژوهش ها گزارش های سیاستی تدوین کرد **دوم:** طرح کلان پژوهشی (در این نوع هنوز مسئله مبهم و ابعاد آن به خوبی شناسایی نشده، بنابراین نیاز است تا پژوهشی عمیق و مدت دار انجام گیرد تا وارد فرایند سیاست گذاری شود) **سوم:** گاهی برگزاری نشست سیاستی درخصوص مسئله نیز می تواند مفید فایده باشد؛ به ویژه زمانی که درخصوص مسئله، پژوهش ها و کارهایی صورت گرفته و برای تدوین گزاره سیاستی نیاز به اظهار نظر خبرگان حوزه باشد ج) یک شیوه دیگر که در میان دو شیوه فوق قرار می گیرد، بحث **گفتمان سازی** از طریق رسانه، انجمن ها، خبرگزاری ها و... است. این مورد به ویژه زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که طرح اولیه آماده شده و نیازمند ارزیابی واکنش های عموم نسبت به آن است.

دستاوردهای آموزش عالی

نخستین تلاش های سازمان یافته برای ایجاد تحول در نهاد تعلیم و تربیت ایران با تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ شمسی به نتیجه رسید. در سال ۱۳۱۳ اولین نهاد آموزش عالی به شیوه مدرن تأسیس شد. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ۲۴۵ دانشگاه، مؤسسه آموزش عالی، مدرسه عالی، آموزشگاه عالی، دانشسرای عالی، انستیتو تکنولوژی و... وجود داشت که از این تعداد ۲۶ واحد نام دانشگاه داشتند. تا سال ۱۳۵۸ تعداد دانشجویان، ۱۷۴,۲۱۷ نفر بود.^۱ (حدود ۰/۵ درصد جمعیت کشور). با پیروزی انقلاب اسلامی تحول عظیم و چشمگیری در آموزش عالی کشور رخ داد؛ تعداد دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی

۱. یعقوب انتظاری، شصت سال آموزش عالی تحقیقات و فناوری در ایران، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۱.

به ۲,۷۲۴ واحد رسید. از نظر منابع انسانی علم، فناوری و نوآوری، در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ تعداد دانشجویان ۳,۶۱۶,۱۱۴ در رشته‌ها و مقاطع مختلف تحصیلی برآورد شد^۱ (حدود ۴/۵ درصد جمعیت کشور)؛ متناسب با افزایش تعداد دانشگاه‌ها و دانشجویان، روند رشد اساتید دانشگاه نیز در این سال‌ها افزایشی بوده و تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت به ۸۵,۵۹۴ نفر رسیده است. افزایش تعداد دانشجویان و اعضای هیئت علمی و به تبع آن تعداد فارغ‌التحصیلان در کشور نوید وجود نیروی کار متخصص و آماده به کار برای پیشبرد اهداف کشور است.

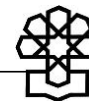
در زمینه زیرساخت‌های صنعتی، مالی و فناورانه روند توسعه پارک‌های علم، فناوری به عنوان نهادهای اجتماعی و حلقه‌ای از زنجیره توسعه اقتصادی با هدف افزایش نوآوری فناورانه، توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی متخصصان و صاحب‌نظران اندیشه، صعودی بوده و تا پایان سال ۱۳۹۶ تعداد ۴۴ پارک ایجاد شده است. مراکز رشد که یکی از ابزارهای رشد اقتصادی است و به منظور حمایت از کارآفرینان تحصیلکرده تأسیس می‌شوند تا با ارائه امکانات و تسهیلات عمومی، زمینه پا گرفتن شرکت‌های جدید را فراهم کنند؛ تعداد آنها تا پایان سال ۱۳۹۶، ۱۹۵ مرکز بوده است. روند تشکیل انجمن‌های علمی (ذیل وزارتین علوم و بهداشت) به عنوان کانون‌های تفکر و ارکان اصلی مدیریت دانش که نقش عمده‌ای در توسعه علمی کشور و رسیدن به جایگاه یک مرجعیت علمی دارند، صعودی بوده و تا سال ۱۳۹۸ تعداد ۵۸۰ انجمن در کشور شکل گرفته است. در همین زمینه تا سال ۱۳۹۵ حدود ۱۹۰ قطب علمی که براساس برنامه‌ای مشخص برای نوآوری و دستیابی به کیفیت برتر علمی در سطح ملی می‌کوشند، به وجود آمده است. تعداد صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر به مثابه نهادهای تخصصی سرمایه‌گذاری که نقش مؤثری در فرایند ایجاد و توسعه کسب‌وکار ایفا می‌کنند تا پایان سال ۱۳۹۶، ۲۶ مورد رسیده است. همچنین روند ایجاد شرکت‌های سرمایه‌گذاری به منظور تأمین مالی کسب‌وکارهای نو به صورت شرکت‌های سهامی خاص نیز در سال‌های اخیر افزایشی بوده و تا پایان سال ۱۳۹۶ به ۹ شرکت رسیده است.

دستاوردهای کشور در حوزه شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان به عنوان مراکز تبدیل علم به ثروت، تولید محصولات فناورانه، تجاری‌سازی پژوهش‌ها و... قابل ملاحظه بوده به گونه‌ای که تعداد بنگاه‌های دانش‌بنیان تا مهرماه ۱۳۹۸، ۴۵۸۳ شرکت است. میزان درآمد این شرکت‌ها با شیب مناسبی در حال افزایش است و در سال ۱۳۹۷ به میزان ۶۰۰ هزار میلیارد ریال برآورد شده است، همچنین شاغلان در این شرکت‌ها حدود ۳۰۰۰۰۰ نفر گزارش شده است.

در زمینه انتشارات علمی سهم ایران از تولید علم برتر دنیا به سرعت افزایش یافته و به رتبه ۱۶ در سال ۲۰۱۷ ارتقا یافته است. براساس پایگاه استنادی WOS^۲، در سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ سهم

۱. تعداد دانشجویان در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴، به بیش از ۴۳۴۸۲۸۲ نفر رسیده بود. تفکیک این تعداد بر حسب جنسیت نشان می‌دهد تعداد ۲۰۲۵۵۹ نفر (حدود ۴۶/۰۵ درصد) از دانشجویان در سال مربوطه را بانوان تشکیل می‌دادند (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی).

2. Web of Science



ایران از کمیت تولید علم دنیا به ترتیب (۱/۴۳)، (۱/۶۱)، (۱/۷۳) و (۱/۸۲) درصد^۱ بوده که از این نظر نیز رشد نسبتاً مناسبی داشته، به طوری که در سال ۲۰۱۶ بالاترین سهم تولید علم را در طول ۱۵ سال اخیر کسب کرده است. در زمینه تبدیل علم تولید شده به فناوری؛ تعداد پتنت‌های ثبت شده توسط پژوهشگران و مخترعان مقیم/غیرمقیم در ایران و سایر کشورها نیز در سال ۲۰۱۷ به حدود ۴۱۰۰ مورد رسید.^۲

جدول ۱. دستاوردهای کشور در آموزش عالی

تعداد پتنت‌های ثبت شده تا پایان سال ۲۰۱۷	رتبه علمی کشور در منطقه	رتبه علمی کشور در دنیا در سال ۲۰۱۸	میزان درآمد شرکت‌های دانش‌بنیان (هزار میلیارد ریال)	تعداد افراد شاغل در شرکت‌های دانش‌بنیان	تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان	تعداد شرکت‌های سرمایه‌گذاری	تعداد صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر	تعداد قطب‌های علمی	تعداد انجمن‌های علمی	تعداد مراکز رشد	تعداد پارک‌های علم و فناوری	تعداد اعضای هیئت علمی (تمام وقت)	تعداد دانشجویان	تعداد دانشگاه‌ها	وضعیت
۴۱۰۰	۱	۱۶	۶۰۰	۳۰۰۰۰۰	۴۵۸۳	۹	۲۶	۱۹۰	۳۹۰	۱۹۵	۴۴	۸۵۵۹۴	۳۶۱۶۱۴	۲۷۲۴	

در تحلیل اولیه آمار کمی و کیفی موجود می‌توان نتیجه گرفت که نظام آموزش عالی در عمر کمتر از یک قرن به نسبت سایر نظام‌های آموزش عالی دنیا با چندین قرن سابقه، عملکرد مفیدی داشته است. لکن برای ارائه تصویر واقعی و شفاف از وضعیت علم، فناوری و نوآوری کشور و کیفیت عملکرد لازم است وضعیت موجود مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد تا ضمن روشن شدن ابعاد مختلف موضوع، برای رسیدن به شاخص‌های کیفی معتبر بین‌المللی^۳ تلاش‌هایی صورت گیرد و در نهایت چنین نظامی اثرگذاری بیشتری در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی کشور از خود نشان دهد. بنابراین لازم است چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌های نظام آموزش عالی که جزئی از واقعیت‌های آموزش عالی کشور هستند، بررسی شوند.

۱. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد علم و فناوری، معاونت نظارت و ارزیابی، گزارش عملکرد حوزه علم و فناوری کشور، ۱۳۹۷.

۲. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش ملی پایش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری (سال ۱۳۹۷)، پاییز ۱۳۹۸.

۳. شاخص جهانی نوآوری، شاخص جهانی کارآفرینی، شاخص جهانی رقابت‌پذیری استعداد، شاخص جهانی مالکیت فکری، رتبه نظام‌های ملی آموزش عالی و... برخی از شاخص‌های معتبر بین‌المللی در حوزه علم، فناوری و نوآوری است.

چالش‌های آموزش عالی

مفهوم چالش

غالباً «چالش» را معادل Challenge تلقی می‌کنند، حال آنکه تأملی در کاربرد این واژه در متون و محاورات، نشان می‌دهد معانی متفاوت و مختلفی از Challenge مورد نظر بوده که با معنای چالش انطباق کامل ندارند. با توجه به معنای چالش می‌توان کلمات مترادف بسیاری برای آن در نظر گرفت: از جمله آسیب، تهدید، فرصت، کاستی، کشمکش، مانع، مشکل و در منبع مرتبط با حوزه آموزش عالی با عنوان «چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم»^۱ نکات دقیقی درباره معنی چالش و تفاوت آن با واژه‌ها و اصطلاحات مشابه ذکر شده است. بین مسئله (Problem) و چالش (Challenge) تفاوت وجود دارد؛ چالش ناظر به عوامل بیرونی است و مسئله ناظر به عوامل درونی.^۲ چالش از طرفی فرصت محسوب می‌شود از این نظر که فرصت رشد و پویایی را فراهم می‌آورد و از طرفی تهدید، که در این صورت شرایط اولیه حیات سیستم را با مانع و اختلال مواجه می‌سازد. با توجه به این خصوصیات می‌توان برای چالش این تعریف را در نظر گرفت «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل کرده و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز است». بنابراین چالش‌ها واقعیاتی عینی، جدید، بیرونی و معطوف به آینده هستند.^۳ یافتن چالش‌ها و شناخت آنها اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا ممکن است با تمهیداتی ساده و کم هزینه حل شوند، اما زمانی که به بحران انجامید، حل آنها دشوار و هزینه آن بسیار خواهد بود.^۴ مفهوم چالش در نظام آموزش عالی تا زمانی که در سازوکار سیستم اختلال و بحران به وجود نیارد، می‌تواند کمک‌کننده باشد؛ زیرا تحرک و تعادل جویی و پویایی را به همراه دارد و در پاره‌ای موارد نوآوری و خلاقیت را در سیستم ایجاد می‌کند. در نتیجه چالش به معنی وضعیتی است که موجب اختلال در فعالیت‌ها و حیات یک پدیده شده و تداوم حرکت پدیده منوط به رفع آن است. بنابراین براساس برداشت از این مفهوم، در این گزارش چالش‌های نظام آموزش عالی کشور به شرح جدول ۲ شناسایی و احصا شده‌اند.

۱. ورنزد، هیر، لوک ای. وبر، «چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم، ترجمه: گروه مترجمین، به کوشش مهندس رضا یوسفیان، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۱.

۲. مسئله، صورت قابل حل مشکل است. یک مشکل ممکن است به صورت‌های مختلفی مسئله‌بندی شود.

۳. ذو علم، علی، تأملی در مفهوم چالش، ماهنامه زمانه، ش ۳۶، ۱۳۸۴.

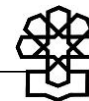
۴. سیدامین رضوی‌نژاد و حمیدرضا ملک‌محمدی، درآمدی تحلیلی بر مسئله‌شناسی در سیاستگذاری امنیتی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، ش ۲۷، ۱۳۹۷.



جدول ۲. چالش‌های آموزش عالی

ردیف	چالش‌ها	منابع احصا
۱	ناکارآمدی نظام سنجش و پذیرش	اقدام ملی ۶ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور، بند «۲-۲» سیاست‌های کلی علم و فناوری، بند «۲-۱۵» سند دانشگاه اسلامی، اظهارنظر مسئولان، تحقیقات انجام شده
۲	عدم اکتانای آموزش عالی به آمایش سرزمینی	بیانات رهبری در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری - ۱۳۹۴/۰۸/۲۰، راهبرد ملی ۳ ذیل راهبرد کلان ۶، اقدام ملی ۱۴ ذیل راهبرد کلان ۶، اقدام ملی ۲۰ ذیل راهبرد کلان ۱۰ نقشه جامع علمی کشور، بند «۵-۵» سیاست‌های کلی علم و فناوری، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، اصل ۱۰ فصل اصول و مبانی و راهبرد ۷ فصل ۶ و راهبرد ۸ سند دانشگاه اسلامی، تحقیقات انجام شده و اظهارنظر مسئولان
۳	ارتباط ضعیف دانشگاه با جامعه و صنعت	بیانات رهبری در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی ۱۳۹۷/۰۷/۲۵، بند «۵» سیاست‌های کلی علم و فناوری، راهبردهای کلان ۳، ۷، ۱۱ و ۱۲، بند «پ» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه، راهبرد ۱، ۲ و ۳ فصل ۷ سند دانشگاه اسلامی، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان بیانات رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان - ۱۳۹۱/۰۵/۰۸، بیانیه گام دوم انقلاب - بخش علم و پژوهش، بند «الف» ماده (۶۵) قانون برنامه ششم توسعه.
۴	تعدد مراکز تصمیم‌گیری آموزش عالی و خلط وظایف آنها	بیانات رهبری در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی - ۱۳۸۷/۰۶/۰۵، راهبرد کلان ۱ نقشه جامع علمی کشور، بند «۱-۲» سیاست‌های کلی علم و فناوری، فصل اول بخش مأموریت‌های سند دانشگاه اسلامی، تبصره «۱»، بند «ب» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان
۵	تأمین و تخصیص ناکارآمد بودجه آموزش عالی	بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - ۱۳۹۴/۰۴/۱۳، راهبرد ملی ۷ ذیل راهبرد کلان ۱، اقدام ملی ۴ و ۱۲ ذیل راهبرد کلی ۷ ذیل راهبرد کلان ۱ نقشه جامع علمی کشور، بند «۷-۵» و «۲-۸» سیاست‌های کلی علم و فناوری، بند «ث» ماده (۶۵) قانون برنامه ششم توسعه، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان
۶	ضعف استقلال دانشگاهی	بیانات رهبری در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی - ۱۳۸۳/۰۱/۰۴، بیانات رهبری در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم - ۱۳۸۹/۸/۲، بند «۲-۷» ذیل راهبرد ۷ فصل پنجم سند دانشگاه اسلامی، اقدام ملی ۲ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور، ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (بحث هیئت امناء)، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان

ردیف	چالش‌ها	منابع احصا
۷	ضعف در انتخاب و انتصاب مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	بیانات رهبری در دیدار اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها - ۱۳۸۸/۰۶/۰۸، راهبرد ملی ۳ و اقدام ملی ۳ ذیل راهبرد کلان ۸، اقدام ۴۵ ذیل راهبرد کلان ۶، راهبرد ملی ۱ ذیل راهبرد کلان ۷ نقشه جامع علمی کشور، راهبرد ۱، ۲، ۳، ۶ و ۷ فصل هشتم سند دانشگاه اسلامی، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان
۸	عرضه محوری آموزش عالی به جای تقاضا محوری	تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان
۹	انطباق ضعیف برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی با نیازهای بازار کار	اقدام ملی ۱ ذیل راهبرد کلان ۵، اقدام ملی ۵ و ۳۵ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - ۱۳۸۹/۰۶/۱۴، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان
۱۰	حمایت و توسعه ناکافی در حوزه علوم پایه و تحقیقات بنیادی	بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت - ۱۳۹۵/۰۶/۰۳، راهبرد کلان ۱۳ و سایر موارد ذیل راهبرد کلان ۱۳ نقشه جامع علمی کشور، بند «۳-۱» سیاست‌های کلی علم و فناوری، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان
۱۱	ضعف در مهارت‌آموزی و کارآفرینی دانشجویان	اقدام ملی ۳۸ ذیل راهبرد ۶، اقدام ملی ۱۱ ذیل راهبرد ۳ نقشه جامع علمی کشور، بند «ب» ماده (۶۵) قانون برنامه ششم توسعه، فصل اول سند دانشگاه اسلامی، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان
۱۲	ناکارآمدی نظام ارتقای اعضای هیئت علمی	بیانات رهبری در دیدار اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها - ۱۳۹۱/۰۵/۲۲، راهبرد ۹ ذیل فصل ششم و بند «۳-۲» ذیل راهبرد ۳ فصل هفتم سند دانشگاه اسلامی، اقدام ملی ۲۱ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور، تحقیقات انجام شده و اظهارنظر مسئولان
۱۳	ضعف رویکردهای فرهنگی - اجتماعی در محیط‌های علمی	بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - ۱۳۹۳/۰۴/۱۱، راهبرد کلان ۲ و راهبرد ملی ۱ و ۶ ذیل آن، راهبرد کلان ۴، اقدامات ملی ۱۰ و ۱۱ ذیل راهبرد کلان ۵ و اقدام ملی ۲۴ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور، سند دانشگاه اسلامی، تحقیقات انجام شده و اظهارنظر مسئولان
۱۴	به کارگیری، ارزیابی و روزآمدسازی ضعیف نقشه جامع علمی کشور	بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - ۱۳۹۴/۰۴/۱۳، بند «۲-۱» سیاست‌های ابلاغی علم و فناوری، بند «۵-۲» فصل پنجم نقشه جامع علمی کشور، تحقیقات انجام شده و اظهارنظر مسئولان
۱۵	مأموریت‌گرا نبودن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی	بیانات رهبری در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری - ۱۳۹۴/۰۸/۲۰، بند «ح» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه، اقدام ملی ۱۲ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور، راهبرد ۴ و ۸ فصل هفتم سند دانشگاه اسلامی، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان



با بررسی منابع و تحلیل‌های صورت گرفته، ۱۵ چالش آموزش عالی شناسایی و احصا شد. در ادامه درخصوص هر یک از آنها توضیحاتی ارائه شده است.

۱. ناکارآمدی نظام سنجش و پذیرش

طی بیست‌سال گذشته آزمون سراسری در ایران به‌عنوان مهم‌ترین شاخص ارزیابی برای ورود به دانشگاه‌ها بوده است. این نظام به‌گونه‌ای عمل می‌کند که بسیاری از داوطلبان متناسب با استعداد و علاقه خود وارد دانشگاه‌ها نمی‌شوند. ابزار سنجش و پذیرش در نظام‌های متری مبتنی بر استعداد، علاقه، تفکر خلاق و توانمندی شخصیتی فرد طراحی می‌شوند، اما آنچه در نظام سنجش و پذیرش کشور رواج دارد باعث شده است تا نظام آموزش و پرورش نیز دستخوش تغییراتی شود و نشاط، پویایی، کاوشگری، ژرف‌اندیشی، ابتکار و نوآوری و... در مدارس کمرنگ شده همچنین دانش‌آموزان به سمت مهارت تست‌زنی هدایت شوند. نظام آموزش و پرورش در سطح اجرایی نیز به‌تبع آن بر آموزش‌های تکنیک‌محور و محفوظات نه یادگیری‌محور و استدلالی تأکید می‌کند. این دور باطل بین نظام سنجش و پذیرش و آموزش و پرورش باعث شده است فرد فارغ از میزان استعداد و خلاقیت با تسلط بر مهارت تست‌زنی بتواند در آن موفق باشد.^۱ و درنهایت موجب شده است تا آسیب‌های اولیه‌ای شامل کم‌توجهی به سوابق تحصیلی داوطلب، کم‌توجهی به علائق و توانمندی‌های تثبیت شده او در طول دوران آموزش عمومی، به حاشیه رفتن آموزش رسمی و جایگزینی روش‌های غیررسمی به دور از نظارت نهاد اصلی متولی آموزش، انتقال شیوه نامناسب آمادگی کنکور (روش تست‌زنی) و استرس ناشی از آن به دوره‌های پایین‌تر نظام آموزشی، کمرنگ شدن آموزش‌ها و آموزه‌های تربیتی و پرورشی در نظام آموزش عمومی، سوق دادن معلمان به سمت آموزش‌های کنکورمحور و طبیعتاً افت تعلیم و تربیت رسمی و... متوجه این نظام شود. مضافاً چنین سازوکاری به آسیب‌های ثانویه‌ای نیز دامن زده است. ازجمله این آسیب‌ها عبارتند از: شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی آمادگی کنکور، تثبیت ارتباط وضع اقتصادی با تحرک اجتماعی «پول بیشتر رشته بهتر، آینده بهتر»، فشارهای اجتماعی ازسوی خانواده و گروه همسالان بر داوطلب در صورت عدم قبولی در رشته و دانشگاه مورد نظر، بی‌توجهی به نقش دانشگاه‌ها به‌خصوص در امر پذیرش و...^۲. بر این اساس نظام سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلی مختلف به‌ویژه کنکور سراسری نیاز به اصلاح اساسی دارد تا استعداد، علاقه و توانایی افراد در مرکز توجه قرار بگیرد. با توجه به مباحثی ازجمله سهمیه‌ها، عدالت و برابری فرصت‌های آموزشی، سوابق آموزشی دوران آموزش عمومی دانش‌آموزان و سیستم ارزیابی و ارزشیابی مدارس و... می‌طلبند که الگوی مطلوب ناظر به این ویژگی‌ها و تفاوت‌ها باشد. بنابراین ضروری است ضمن توجه و تمرکز نظام حکمرانی و سیاستگذاری کشور به این

۱. عبدالرضا سیحانی و مهرداد شهیدی، آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، صص ۱۸۱-۱۶۱، ۱۳۸۶.

۲. بخشی از این آسیب‌ها در گزارش مرکز باعنوان روش‌های سنجش و پذیرش دانشجو در جهان، الگوها و مدل‌ها، دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ، شماره ۱۶۵۳۹، ۱۳۹۸ آمده است.

مهم، مراکز تحقیقاتی و وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های متولی آموزش کشور از جنبه‌های مختلف نسبت به بررسی موضوع تا طراحی و تدوین الگوی بومی کارآمد و مطلوب اقدام کنند.

۲. عدم ابتدای آموزش عالی آمایش سرزمینی

آمایش آموزش عالی درواقع شامل اقدامات ساماندهی و نظام‌بخشی به مراکز آموزش عالی با رویکرد سرزمینی در سطوح ملی و منطقه‌ای است که با تکیه بر قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌های منطقه‌ای صورت می‌گیرد. اما آنچه وجود دارد بسیاری از دانشگاه‌های کشور ارتباط ضعیفی با محیط پیرامونی دارند و بدون توجه به ظرفیت‌ها و نیازهای استانی و ملی اقدام به راه‌اندازی رشته‌های علمی و پذیرش دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی می‌کنند. برای مثال براساس آمار توزیع دانشگاه‌ها، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی؛ بیش از ۴۰ درصد دانشگاه‌های تحت نظارت وزارت علوم رشته کشاورزی را دارا هستند^۱ این درحالی است که بسیاری از استان‌هایی که رشته‌های کشاورزی در آنها دایر است، عمدتاً در آنها مشاغل خدماتی و صنعتی فعال است. یا دانشکده‌های کشاورزی نه در مناطق کشاورزی، بلکه در محیط‌های دانشگاهی و مراکز شهری استقرار یافته‌اند. از طرفی دیگر این استان‌ها با مسائل مبتلابه‌ای از آسیب‌های زیست‌محیطی مواجهند که نیاز به مداخله علمی دارند. بالعکس در برخی از استان‌های کشور (آذربایجان شرقی، خراسان رضوی، مازندران، گیلان، البرز، اصفهان و قزوین) که از ظرفیت بالای کشاورزی برخوردارند و عمده اقتصاد آنها بر پایه کشاورزی است، فقط ۵/۴ درصد از شاغلان دارای تحصیلات عالی آنها در بخش کشاورزی مشغول هستند و ۹۴/۶ درصد از آنها در بخش صنعت و خدمات مشغول هستند. در استان‌های مزبور با اقتصاد کشاورزی، ۸۵۴ مرکز آموزش عالی درحال فعالیت هستند که نزدیک به ۳۱/۵ درصد از کل مؤسسات و بیش از ۳۲/۶ درصد از دانشجویان کشور را در خود جای داده‌اند. اما فقط ۶ درصد از آنها در گروه کشاورزی درحال تحصیل هستند و بیش از ۵۴ درصد از آنها در گروه‌های عمده تحصیلی علوم انسانی، پزشکی و هنر تحصیل می‌کنند؛ این بدان معناست که در توسعه و تقویت نیروی انسانی متخصص بخش کشاورزی، دانشگاه‌های مستقر در این مناطق نقش کمرنگ و ضعیفی داشته و کمتر با توجه به نیاز مناطق در جذب و پرورش نیروی انسانی اقدام کرده‌اند.^۲ آسیب‌هایی که در این حوزه وجود دارد، باعث شده است تا نظام آموزش عالی کشور از این بعد با چالش مواجه شود. این آسیب‌ها موارد زیر را شامل می‌شود: عدم گسترش و توسعه آموزش عالی مبتنی بر نیازها و خواست جامعه، عدم سازگاری و تناسب برنامه‌های دانشگاهی با ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای، تناسب ضعیف شیوه پذیرش دانشجو با ظرفیت‌های منطقه و ایجاد تعادل در این راستا، عدم تناسب آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی با مأموریت‌های ویژه هر دانشگاه، توجه ناکافی به اولویت سرمایه‌گذاری در استان‌های

۱. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴، ۱۳۹۶.

۲. سیما بوذری، آمایش آموزش عالی در پهنه جغرافیایی کشور، فصلنامه مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، دوره ۳۲، ش ۳، صص: ۷۵-۴۹، ۱۳۹۵.



بدون امکانات آموزش عالی یا دارای امکانات فیزیکی محدود متناسب با نیازها و استعداد استان؛ ضعف در مهار رشد آموزش عالی در قطب‌های اشباع شده که حجم متقاضی ورود به آموزش عالی بر ظرفیت‌های فیزیکی منطقه و دانشگاه فزونی گرفته است و افزایش آن موجب تشدید روند مهاجرت و بحران‌ها و نارسایی‌های اجتماعی شده است. در نتیجه بررسی و شناسایی ظرفیت‌ها، کمبودها و مسائل هر استان و منطقه کمک خواهد کرد، تا نظام آموزش عالی متناسب با آنها، از نظر رشته، گروه و نیز پذیرش دانشجو ساماندهی شود.

۳. ارتباط ضعیف دانشگاه با جامعه و صنعت

یکی از مباحثی که در دو دهه اخیر در بیانات مقام معظم رهبری به کرات مشاهده شده است، بحث ارتباط دانشگاه با جامعه و صنعت است. اما ضعف اعتماد بین صنعتگران و دانشگاهیان، کمبود مسائل انگیزشی در این خصوص، تقاضامحور و کاربردی نبودن تحقیقات دانشگاهی، عدم تناسب بین برنامه‌های درسی دانشگاهی و نیازهای صنعت کشور^۱ طولانی بودن زمان انجام پروژه‌های تحقیقاتی، ناآشنایی صنایع از پتانسیل دانشگاه‌ها^۲ و... باعث شده است تا ارتباط اصولی بین آنها شکل نگیرد. این دلایل باعث شده است تا با وجود تأکیدات بسیار در برقراری ارتباط دانشگاه‌ها با صنعت برای حل مسائل صنعت کشور و کمک به ارتقای آن و در کنار آن افزایش درآمدهای حاصل از این ارتباط برای دانشگاه و بهره‌وری و کارآمدی صنعت کشور و رشد کمی و کیفی تولیدات و محصولات هر دو بخش، همچنان توفیق چندانی حاصل نشود. کل درآمد حاصل از قراردادهای دانشگاه‌های تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با صنعت و جامعه در سال ۱۳۹۶ نزدیک به ۲۳۰ میلیارد تومان برآورد شد،^۳ این رقم کمتر از ۱ درصد کل بودجه آموزش عالی، تحقیقات و فناوری کشور در سال ۱۳۹۶ بوده است. شواهد مذکور در کنار حجم بالای پژوهش‌هایی که در دانشگاه‌های کشور بدون متقاضی و معطوف به حل مسائل جامعه انجام می‌گیرند و از طرفی تمایل صنایع به واردات، باعث شده است تا وضعیت ارتباط دانشگاه با صنعت و جامعه با چالش مواجه شود. بنابراین شناسایی چالش‌های این حوزه و ارائه یک چارچوب همه‌جانبه‌ناظر به ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و منابع دانشگاهی و صنعتی کشور برای قوام بخشیدن به ارتباط بین دانشگاه و صنعت، نیازمند بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر است.

۱. علی فائز و علی شهبابی، ارزیابی و اولویت‌بندی موانع ارتباط دانشگاه و صنعت (مطالعه موردی شهرستان سمنان)، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال چهارم، ش دوم، تابستان ۱۳۸۹.

۲. احمد جعفرزاده و عبدالمحمد مهدوی و فریبا خالقی سروش، بررسی موانع و ارائه راهکارهای توسعه روابط متقابل صنعت و دانشگاه در ایران، دانش مدیریت، ش ۷۱، ۱۳۸۴.

۳. ۴۰ سال عملکرد و فعالیت‌های دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور در حوزه ارتباط با صنعت، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت پژوهش و فناوری دفتر ارتباط با صنعت، ۱۳۹۷.

۴. تعدد مراکز تصمیم‌گیری آموزش عالی و خلط وظایف آنها

بررسی نهادها و ساختارهای سیاستگذاری آموزش عالی کشور نشان می‌دهد که منظومه آموزش عالی کشور با تعدد نهادهای سیاستگذاری و اجرایی (هیئت وزیران، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورا عالی علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، جهاد دانشگاهی، بنیاد ملی نخبگان) روبه‌رو است و با نسبت این نهادهای با تعدد اسناد بالادستی در حوزه آموزش عالی مواجه است. ناهماهنگی بین تصمیمات این نهادها، خودداری از پاسخگویی آنها را نیز در پی داشته است.^۱ یکی از نمونه‌های این واقعیت، ناهماهنگی بین ستاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص آزمون مهارت زبان فارسی «آمفا» برای غیرفارسی زبانان و تصویب آزمون دیگری به نام آزمون «سامفا» است. موازی‌کاری بین نهادهای درگیر در حوزه آموزش، تحقیقات و فناوری نیز از موضوعات مهم در این راستاست. شاهد این امر هم‌پوشانی وظایف معاونت علمی و فناوری با ۲۰ مورد از وظایف و اختیارات وزارت عتف و شورای عتف است.^۲ عوامل متعددی که این مسئله را تشدید می‌کند عبارتند از: ضعف نهادی و ساختاری در سیاستگذاری آموزش عالی، بی‌ثباتی مدیریتی و سیاسی و نبود نگاه بلندمدت در نظام سیاستگذاری آموزش عالی، نداشتن متولی مشخص برای بسیاری از موضوعات، عدم همسویی ترجیحات ارزشی، هنجاری و نهادی سازمان‌ها و گروه‌های ذی‌نفع در سیاستگذاری آموزش عالی. این عدم هماهنگی نهادها موجب آسیب‌هایی شده است. ازجمله: موازی‌کاری و آشفتگی حکمرانی و سیاستگذاری آموزش عالی،^۳ انحراف سیاستی، کژکارکردی، تضاد و تناقض بین‌بخشی و فرابخشی مأموریت‌های آموزش عالی، از طرف دیگر این امر باعث شده تا نظام آموزش عالی کشور نتواند از مزایای تمرکزگرایی (استراتژی واحد، یکپارچگی، سرعت عمل و چابکی و...) بهره‌برد و از کاستی‌های عدم تمرکز (دوباره‌کاری، کندی در فعالیت‌ها، عدم توجه به اولویت‌های ملی، استفاده غیر بهینه از منابع و تشدید نابرابری‌ها و...) در امان بماند.^۴ بنابراین اتخاذ تدابیر و اقداماتی برای هم‌افزایی، هماهنگی، هم‌راستایی و منسجم کردن نهادهای سیاستگذار آموزش عالی که یکی از اهداف سیاست‌های کلی علم و فناوری کشور است، از ضروریات می‌باشد.

۱. صفر بیگزاده، تبیین جایگاه حقوقی نهادهای تصمیم‌ساز در نظام علوم، تحقیقات و فناوری ایران، فصلنامه حقوق اداری (علمی- پژوهشی)، سال ششم، ش ۱۹، سال ۱۳۹۸.
 ۲. محمد جلالی و کیومرث قنبری، آسیب‌شناسی کارکرد مراجع سیاستگذار و تصمیم‌گیر در حوزه آموزش عالی، فصلنامه تحقیقات حقوقی ش ۸، ۱۳۹۷.
 ۳. ناصر باقری‌مقدم و حسن احمدی، آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، ش ۴، صص ۷۴-۵۵، ۱۳۹۷.
 ۴. محمدباقر غفرانی، مسائل ساختاری نظام آموزش عالی ایران و راه‌های برون‌رفت از آن در برنامه چهارم، فصلنامه راهبرد مجلس، سال ۱۰ ش ۴۱، ۱۳۹۰.



۵. تأمین و تخصیص ناکارآمد بودجه آموزش عالی^۱

معمولاً دانشگاه‌ها برای تأمین بودجه از منابع: بودجه دولتی، فروش خدمات آموزشی و پژوهشی، شهریه دانشجویی، کمک‌های مردمی (وقف)، سرمایه‌گذاری و ... استفاده می‌کنند به‌طوری که اگر در یکی از این منابع با مشکل روبه‌رو شدند، می‌توانند به جبران کسری بودجه از سایر طرق اقدام کنند. با وجودی اینکه منبع عمده تأمین مالی دانشگاه‌های کشور، بودجه دولتی (دانشگاه‌های دولتی نزدیک به ۸۰ درصد بودجه را از دولت دریافت می‌کنند) و دریافت شهریه از دانشجو است. در حال حاضر ۴۲ درصد از آموزش در بخش غیردولتی و با هزینه غیردولتی صورت می‌گیرد.^۲ و قسمت عمده منابع مالی این مؤسسات توسط شهریه دریافتی از دانشجویان تأمین می‌شود. در نتیجه نمی‌توان انتظار اثربخشی مطلوب را از آموزش‌های بخش غیردولتی داشت. زیرا چنین مسئله‌ای نمی‌تواند به تسهیل اشتغال دانش‌آموختگان این گونه مؤسسات منجر شود کمااینکه در جهت عکس موجب افزایش بیکاری آنها می‌شود. در همین راستا، برخی از نظام‌های آموزش عالی در کنار شهریه و بودجه دریافتی از دولت (دولت انگلیس ۲۶ درصد از بودجه دانشگاه‌ها را تأمین می‌کند)، میزان قابل توجهی از منابع درآمدی خود را از طریق انجام تحقیقات به‌دست می‌آورند. برای مثال طبق تراز نامه مالی (سال ۲۰۱۶) دانشگاه یو. اسی. ال لندن، این دانشگاه مبلغ ۵۳۰ میلیون پوند (حدود ۴۰ درصد کل بودجه دانشگاه) را از مسیر پروژه‌های تحقیقاتی کسب کرده است؛ اما همان‌طور که بیان شد دانشگاه‌های ایران به دلیل وابستگی به بودجه دولت و شهریه دانشجویان، در صورت کاهش بودجه دولتی و کاهش تعداد دانشجویان، تأمین منابع مالی آنها با نوسان شدیدی روبه‌رو شده و یا می‌شود. این وابستگی به بودجه دولتی و کاهش حمایت‌ها به‌ویژه در چند سال اخیر به دلیل شرایط تحریم؛ دانشگاه را با چالش جدی در این رابطه مواجه ساخته است. اگرچه این مسئله می‌تواند به مثابه فرصتی برای کاهش وابستگی دانشگاه‌ها به منابع عمومی کشور تلقی شود، اما با این حال باعث افت کیفیت خدمات آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها شده است. همچنین سبب شده دانشگاه‌ها به جای تأمل بر برنامه‌های راهبردی، ارتقای جایگاه علمی و حضور مؤثر در تولید علم و فناوری، درگیر مسائل روزمره و پیش‌پا افتاده (حقوق اعضای هیئت‌علمی، نگهداری از ساختمان‌ها، تهیه مواد اولیه غذایی دانشجویان و...) شوند. بعد دیگر این چالش که عمدتاً در بحث‌های مالی دانشگاه‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ضعف در مکانیسم تخصیص منابع مالی است و به تبع آن شفافیت مالی که در این زمینه وجود ندارد. این در صورتی است که اکثر دانشگاه‌های معتبر دنیا، موظف هستند ترازنامه‌ها و صورت‌های مالی خود را به‌صورت عمومی منتشر کنند. بنابراین طراحی و تدوین سازوکارهای متنوع تأمین و تخصیص منابع مالی دانشگاه‌ها و استقلال نسبی آنها از منابع بودجه عمومی، از جمله ملزوماتی است که نیازمند بررسی‌های بیشتری است.

۱. در بیشتر منابع مطالعاتی این بعد را از چالش‌های جدی نظام آموزش عالی مطرح کرده‌اند. می‌توان اذعان داشت که تأمین مالی دانشگاه‌ها از چالش‌های جهانی آموزش عالی است.

۲. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش ملی پایش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری (سال ۱۳۹۷)، پاییز ۱۳۹۸.

۶. ضعف استقلال دانشگاهی

در تعاریف متداول، دانشگاهی استقلال دارد که بتواند با استفاده از اساسنامه داخلی خود، گام وسیعی از تصمیمات را در زمینه‌های مختلف هدفگذاری و تعیین اولویت‌های آموزشی و پژوهشی، برنامه‌های درسی و اعتبار مدرک، جذب و تخصیص منابع به مصارف مختلف، استخدام هیئت علمی و کارکنان و گزینش دانشجو و... اتخاذ کند. برخلاف این مهم، دانشگاه‌های ایران اختیارات لازم در برنامه‌ریزی و مدیریت منابع جهت گزینش دانشجو و هیئت علمی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های آموزشی و توسعه رشته‌ها به دلیل تصمیم‌گیری در سطح وزارتی و فرا وزارتی، را ندارند. بحث از استقلال دانشگاهی شامل هر دو بعد مالی و اداری می‌شود و طبیعی است پرداختن به مؤلفه‌های استقلال اداری بدون توجه به ابعاد مالی آن بی‌معناست و این دو در کنار هم قابلیت پیگیری دارند. استمرار این وضعیت (ضعف استقلال اداری و مالی) در دانشگاه‌های ایران باعث می‌شود تا دانشگاه نتواند نقش خود در عرصه محلی، ملی و منطقه‌ای را ایفا نماید و بیشتر به یک نهاد اداری و مجری دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های سطح بالایی خود تبدیل شود. دلیل دیگر چالشی بودن استقلال دانشگاهی این است که دولت از یک طرف بر استقلال دانشگاه‌ها تأکید دارد و از طرفی دیگر به دلیل تأمین بخش قابل توجهی از بودجه آموزش عالی به دنبال تصدیگری خود است. از این رو وجود استقلال در دانشگاه‌های کشور بیشتر تناقض‌آمیز است.^۱ بنابراین تدوین سازوکاری که ضمن حفظ استقلال مالی، اداری و علمی دانشگاه‌ها، بتواند هر چه بیشتر دانشگاه‌ها را در راهبری خودجوش جامعه ترغیب کند؛ اهمیت دارد.

۷. ضعف در انتخاب و انتصاب مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

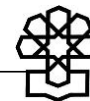
در منابع متعدد، اداره امور مؤسسات آموزش عالی یکی از مهم‌ترین مسائل در سیاستگذاری آموزش عالی معرفی شده است.^۲ اما این موضوع به دلیل رسوخ جریان‌های سیاسی، نبود اختیارات کافی و خلاقیت در تصمیم‌گیری هیئت امنای دانشگاه‌ها و رؤسای دانشگاه، انتخاب سلیقه‌ای، عدم توجه به جانشین‌پروری و اعمال تبعیض در این زمینه^۳ موجب شده است تا در انتخاب و انتصاب مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، کمتر شایستگی‌های حرفه‌ای (مسئولیت‌پذیری، رقابت‌پذیری، تحول‌گرا و نوآور، جهت‌گیری استراتژیک، کارآفرینی و...) مورد توجه قرار بگیرد. عامل دیگری که مدیریت دانشگاه‌های کشور را با چالش مواجه کرده است، مدیریت پژوهش‌های دانشگاهی است. طبق آخرین آمار منتشر شده ایرانداک^۴

۱. مقصود فراستخواه، گاه و بی‌گاه دانشگاه در ایران؛ مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه‌پژوهی، مطالعات علم و آموزش عالی، فصل دهم، انتشارات آگاه، ۱۳۹۶.

۲. هرش ورنرزی و لوک وبر، چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم، ترجمه رضا یوسفیان املشی، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۱.

۳. فاروق امین‌مظفر، مطالعه سیاست‌زدگی مدیران نظام آموزش عالی با رویکرد کیفی، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۴، ش ۷، ۱۳۹۴.

4. <https://irandoc.ac.ir/about/fast-facts>.



تا بهار ۱۳۹۸ جمعاً تعداد ۵۵۸۳۳۶ پایان‌نامه و رساله توسط دانشگاه‌های کشور انجام گرفته است.^۱ که این جمع از مطالعات به دلیل ضعف مدیریت پژوهش بدون کاربرد و اثرگذاری باقی مانده‌اند. با توجه به مطالب بیان شده و با عنایت به اینکه در فصل هشتم سند دانشگاه اسلامی نیز بر انتخاب مدیرانی متعهد و متخصص مبتنی بر شایسته‌سالاری در تراز دانشگاه اسلامی تأکید شده است؛ لکن آنچه وجود دارد جایگزینی معیارهای سیاسی، سلیقه‌ای در انتخاب و انتصاب مدیران دانشگاهی به جای معیارهای علمی و تخصصی است.^۲

۸. عرضه‌محوری آموزش عالی به جای تقاضامحوری

طی سال‌های اخیر با اعمال سیاست‌های افزایش دسترسی به آموزش عالی در جهت پاسخگویی به تقاضای اجتماعی، ظرفیت پذیرش دانشجو در دوره‌های دانشگاهی افزایش قابل توجهی یافته است. لکن طبق آمار نرخ ناخالص ثبت‌نام در آموزش عالی به ترتیب برای سال ۱۳۹۴ (۴۸/۴۱ درصد)، سال ۱۳۹۵ (۲۳/۴۶ درصد)، سال ۱۳۹۶ (۴۷/۳۸) و برای سال ۱۳۹۷ (۴۲/۵) بوده است،^۳ آمار موجود حاکی از روند نزولی تقاضا برای ورود به دانشگاه است. این وضعیت (کاهش تقاضای ورود به آموزش عالی نسبت به عرضه آموزش عالی) طی سال‌های اخیر به خصوص در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، جز در معدود رشته‌های خاص و پرطرفدار مشهود است. نتیجه عدم تعادل در عرضه و تقاضا غیر از این نمی‌تواند باشد که هر داوطلبی با هر سطح از دانش و آمادگی بتواند به دوره‌های آموزش عالی راه یابد. عرضه‌محور بودن آموزش عالی، بدون در نظر گرفتن اثربخشی دانش‌آموختگان آن، می‌تواند موجب مسائلی چون بیکاری دانش‌آموختگان و معضلات مرتبط با آن، اشتغال در حوزه‌های نامرتب و یا مهاجرت آنها به خارج از کشور گردد و لذا بهبود این شاخص بدون در نظر گرفتن سایر عوامل مؤثر بر آن فی‌نفسه مطلوب نخواهد بود. چالش عرضه‌محوری آموزش عالی یا تقاضامحور نبودن آن، چالش جدیدتر «صندلی‌های خالی» دانشگاه را به وجود آورده است. کاهش جمعیت دانشجویی باعث شده است که عرضه آموزش عالی بدون پاسخ بماند و همین عامل خود باعث کاهش تعداد دانشجویان در این رشته‌ها (به‌ویژه رشته‌های کم‌کاربرد) و به دنبال آن کاهش موظفی اساتید دانشگاه و درنهایت تحمیل هزینه‌های اجباری به نظام آموزش عالی و دولت (جهت پرداخت حقوق، هزینه نگهداری ساختمان‌ها و تجهیزات و...) شود. ساماندهی رشته‌های کم‌متقاضی و حرکت به سمت آموزش عالی تقاضامحور و مبتنی بر نیازهای مخاطبان (بازار، خانواده‌ها، داوطلبان، دولت و...) از برنامه‌های اساسی است که می‌تواند وضعیت را بهبود بخشد.

۱. این آمار واقعی تعداد پژوهش‌های انجام گرفته در دانشگاه‌ها نیست؛ بلکه این بخشی از تعدادی است که دانشجویان و اساتید طبق آیین‌نامه‌های دانشگاهی و یا شخصاً اقدام به ثبت رساله و پایان‌نامه خود در ایران‌داک کرده‌اند.

۲. رحمت‌اله فلی‌پور، سیدرضا سیدجوادی، محمدولی روزبهان، طراحي الكوي شايستگي مديران دانشگاهي مبتني بر سند دانشگاه اسلامي، مدیریت منابع در نیروی انتظامی، دوره ۶، ش ۲، ۱۳۹۷.

۳. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش ملی پیش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری (سال ۱۳۹۷)، پاییز ۱۳۹۸.

۹. انطباق ضعیف برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی با نیازهای بازار کار

رشته‌های مختلفی در دانشگاه‌های کشور دایر هستند که دانشجویان در آنها به تحصیل می‌پردازند. اما مواد آموزشی، سرفصل‌ها و دروسی که برای تحصیل در آن رشته‌ها استفاده می‌شود، به‌روز و منطبق با شرایط بازار کار و نیاز حال صنعت و اشتغال نیست. این مسئله دوجبهی است، یک وجه آن اشتغال فارغ‌التحصیلان به دلیل ضعف در آموزش‌های تخصصی مورد نیاز صنعت و بازار کار و دیگری اشتغال فارغ‌التحصیلان در شغل نامتناسب با رشته تخصصی مربوطه است. این امر هدررفت منابع هنگفت (انسانی، مالی، دانشی، زمان ...) را به دنبال دارد. طبق بررسی‌ها تناسب میزان اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با رشته تخصصی ۲۲ درصد است. بدین معنی که از هر ۱۰۰ نفر فارغ‌التحصیل مشغول به کار فقط ۲۲ نفر از آنها متناسب با رشته و مقطع تحصیلی خود فعالیت می‌کنند.^۱ این مشکل سال‌هاست که بین دانشگاه و بازار کار وجود دارد و عدم تناسب مهارت‌ها و آموخته‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با نیازهای صنعت و کار، علت عمده این امر است. عدم ارتباط کارآمد تحصیل و اشتغال باعث پیامدهایی از جمله عدم اعتماد صنعت به دانشگاه و به تبع آن عدم ارتباط صنعت با دانشگاه می‌شود. بنابراین مسئله‌ای که به وضوح خودش را در کشور نشان می‌دهد و باعث بروز انتقادهایی از سیستم دانشگاهی شده است، عدم ارتباط کارآمد تحصیل و اشتغال است. همین عامل می‌تواند معضل بیکاری دانش‌آموختگان را نیز تشدید کند. لذا لازم است در کنار تقویت تعامل صنعت و دانشگاه، محتواهای آموزشی و درسی دانشگاه‌ها متناسب با نیازهای بخش کار، صنعت، جامعه و مخاطبان آموزش عالی مورد بازنگری قرار گیرد.

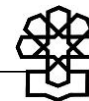
۱۰. حمایت و توسعه ناکافی در حوزه علوم پایه و تحقیقات بنیادی

با توجه به اینکه در نقشه جامع علمی کشور و در سیاست‌های کلی علم و فناوری، حوزه‌های علوم پایه و تحقیقات بنیادی (شیمی، فیزیک، زیست، نانو، سلول‌های بنیادی، علوم شناختی و...) از اولویت بالایی برخوردارند و اینکه رشد علمی کشور و دستیابی به رتبه‌های برتر جهانی و منطقه‌ای مرهون دستاوردهای این دست از رشته‌های علمی است (بیشترین مقالات علمی کشور نیز پس از حوزه پزشکی و مهندسی مربوط به رشته‌های شیمی با ۲۸,۵۷۸ مقاله، فیزیک با ۱۸,۳۶۴ مقاله، علم مواد با ۱۴,۹۵۳ مقاله، است).^۲ لازم است دانشگاهیان به تحقیق و پژوهش در این رشته‌ها بپردازند و دولت نیز در این زمینه حمایت‌های لازم را از آنها به عمل آورد. با این حال در دانشگاه‌های کشور علوم پایه و تحقیقات بنیادی به دلایل مختلف از جمله بیکاری گسترده و نبود شغل مناسب برای فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها،^۳ پرهزینه بودن این رشته‌ها، عدم استقبال از سوی دانشجویان به‌ویژه در سال‌های اخیر، کاربردی نبودن، دیر بازده

۱. مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت، گزارش «تناسب تحصیلات و مشاغل دانش‌آموختگان دانشگاهی»، ۱۳۹۸.

۲. گزارش وب‌آو ساینس در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۴.

۳. طبق گزارش سال ۱۳۹۵ مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، نرخ بیکاری رشته‌های علوم کامپیوتر ۴۱ درصد، علوم طبیعی ۲۷ درصد، مهندسی ۲۱ درصد، علوم زیست ۲۵ درصد و ریاضیات و آمار ۱۷ درصد است.



بودن، نیاز به تجهیزات، آزمایشگاه‌ها و امکانات فراوان و وابسته به واردات که اکثراً در دانشگاه‌های جامع ارائه می‌شود و سایر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی قادر به ارائه آنها نیستند؛ موجب شده تا این نقیصه علاوه بر عقب نگه داشتن کشور در زمینه‌های علوم پایه و تحقیقات بنیادی به سایر فناوری‌ها و علوم طبیعی وابسته به تحقیقات بنیادی لطماتی وارد کند. با این اوصاف حمایت از مؤسسات و افرادی که در این حوزه‌ها فعالیت می‌کنند، اهمیت دارد.

۱۱. ضعف در مهارت‌آموزی و کارآفرینی دانشجویان

امروزه توجه به آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی در صدر اولویتهای بسیاری از دولت‌ها، سازمان‌ها و خانواده‌ها قرار دارد. این وضعیت برای نظام آموزش عالی کشور با توجه به پیوند ضعیف آن با جامعه بیشتر نمایان است. طبق گزارش جهانی کارآفرینی در سال ۲۰۱۸ ایران از نظر شاخص کارآفرینی رتبه ۷۲ را بین ۱۳۷ کشور کسب کرده است.^۱ از معیارهای قابل محاسبه در اکوسیستم کارآفرینی، سرمایه انسانی آموزش‌دیده و دارای مهارت راه‌اندازی کسب‌وکار جدید و ریسک‌پذیر است که با توجه به وضعیت کشور در گزارش مذکور، می‌توان اذعان داشت نظام آموزش عالی از این بعد با چالش مواجه است. علاوه بر این طبق گزارش رقابت‌پذیری جهانی سال ۲۰۱۹، رتبه ایران در مهارت فارغ‌التحصیلان به عنوان یک رکن از ارکان دوازده‌گانه رقابت‌پذیری، از میان ۱۴۱ کشور ۹۲ است.^۲ این وضعیت حاکی از ضعف نظام مهارت‌آموزی و کارآفرینی آموزش عالی است. عوامل متعددی در این میان اثرگذار است که عبارتند از: عدم ارتباط وثیق بین دانشگاه و صنعت، کمبود زمان کافی جهت مهارت‌آموزی دانشجویان، محتوای صرفاً تئوریک برخی از مواد آموزشی، نبود بستر مناسب برای آموزش‌های مهارتی و تمرین‌پذیری و تکرارپذیری آموزش‌های مربوطه در دانشگاه‌ها، تقاضامحور نبودن برخی رشته‌های مهارتی، ضعف اساتید در این مقوله. اینها بخشی از مواردی هستند که موجب ضعف مهارت‌آموزی در بین دانشجویان و دانش‌آموختگان شده است و باعث شده تا فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بعد از اتمام تحصیل در راه‌اندازی کسب‌وکار نوپا و یافتن شغل با مشکل مواجه شوند. همین عامل موجب شده هزینه‌های بسیاری بر نظام آموزش عالی و خانواده‌ها تحمیل شود. از آثار تبعی این چالش می‌توان به روی‌آوری فارغ‌التحصیلان به مشاغل کاذب، هدررفت منابع و سرمایه‌های اجتماعی، انسانی و مالی کشور، افزایش آسیب‌های اجتماعی، کاهش اعتماد به دانشگاه‌ها از طرف ذی‌نفعان (صنعت، خانواده، داوطلبان) و... اشاره کرد. در این خصوص تحول در سبک و شیوه‌های آموزشی، هدایت و حمایت قانونی از آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی در دانشگاه‌ها، فراهم‌سازی بستر آموزش‌های مهارتی در نظام آموزش عالی و ... پیشنهاد می‌شود.

۱. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، گزارش جهانی کارآفرینی ۲۰۱۸، ترجمه: دفتر توسعه کارآفرینی و بهره‌وری نیروی کار.

۲. مرکز پژوهش‌های مجلس «وضعیت ایران در گزارش رقابت‌پذیری جهانی سال ۲۰۱۹»، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۸.

۱۲. ناکارآمدی نظام ارتقای اعضای هیئت علمی

آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور نقش بسزایی در جهت‌دهی به اهداف نظام علم و فناوری کشور و فعالیت‌های اعضای هیئت علمی دارد. بازنگری و اصلاح آیین‌نامه ارتقاء در طی سال‌های اخیر در دستور کار سیاستی مراجع سیاستگذاری آموزش عالی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی و ...) بوده است. اما نقدهای جدی بر آیین‌نامه ارتقای فعلی (مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی) وارد است که عبارتند از:

۱. یکسان‌نگری آیین‌نامه نسبت به مورد پژوهشی درخصوص رشته‌های مختلف (نبود معیار متناسب با هر رشته، به‌عنوان مثال تفاوت بین رشته‌های علوم انسانی با رشته‌های فنی)،
 ۲. کم‌توجهی به مسائل بومی در ارتقای اعضای هیئت علمی،
 ۳. اهمیت کمتر امتیاز طرح‌های کاربردی نسبت به مقالات،^۱
 ۴. در نظر نداشتن برنامه آمایش آموزش عالی،
 ۵. یکسان‌نگری و بی‌توجهی به مأموریت و مقتضیات دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اعم از مهارتی، ترویجی و نظری،
 ۶. توجه ضعیف به تنوع گروه‌های علمی و رشته‌ها که ممکن است به جای تحقق چشم‌انداز و مأموریت‌های ترسیم شده در اسناد بالادستی نظام آموزش عالی کشور، آنها را به سمت و سوی فعالیت‌های علمی غیر اثرگذار و غیرکاربردی سوق دهد.
- از معیارهای که در آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی امتیاز کمتری دارد، پژوهش‌های ناظر به حل مسائل کشور و دریافت بودجه تحقیقاتی یا کمک مالی تحقیقاتی خارج از دانشگاه و ارائه مشاوره علمی به سازمان‌هاست؛ فقدان این معیارها می‌تواند به‌عنوان مانعی در هدایت اعضای هیئت علمی به سمت حل مسائل کاربردی و مبتلابه کشور باشد. از این‌رو آیین‌نامه ارتقا نیاز به بازبینی اساسی دارد تا در کنار توجه به مسائل کشور، فراهم‌کننده زمینه ارتقای همه‌جانبه آموزشی، علمی و تحقیقاتی اعضای هیئت علمی باشد.

۱۳. ضعف رویکردهای فرهنگی - اجتماعی در محیط‌های علمی

نقش سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در پیشرفت اقتصادی و توسعه پایدار برای همگان روشن است. در این راستا دانشگاه به‌عنوان یکی از بسترهای اصلی تشکیل گروه‌های اجتماعی می‌تواند نقش بسزایی در تولید این سرمایه داشته باشد.^۲ تشکلهای علمی، فرهنگی و مذهبی، حرفه‌ای در فضای دانشگاه فرصتی

۱. تألیف و ترجمه و تصحیح کتاب، انتشار مقاله (داغ، پراستناد)، نوآوری و خلاقیت، کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی، پیوست فرهنگی و... ازجمله موارد مطرح شده و دارای امتیاز در آیین‌نامه ارتقااست.

۲. ناصر فکوهی، چالش‌ها و چشم‌اندازها در آموزش عالی ایران، دوفصلنامه دانشگاه امروز: دانشگاه در ایران، ظرفیت‌های اکنون و فرصت‌های آینده، سال سوم، ش ۴، صص ۱۱۳-۱۱۰، ۱۳۹۸.



مناسب برای ظهور می‌یابند. با وجود این در دانشگاه‌های کشور این رویکرد به دلایلی از جمله تأثیر الگوهای اخلاقی و اجتماعی بیگانه در دانشگاه و دانشگاهیان، نبود ارتباط معنادار بین نهاد علم و بوم نظام فرهنگی- اجتماعی جامعه ازسوی متولیان، قطع رابطه دانشگاه با نهادهای فعال جامعه، فهم نادرست مسئولان از فعالیت‌های فرهنگی، تعارض قدیمی میان سنت و تجدد و نگاه سطحی و مقطعی به برنامه‌های فرهنگی و عوامل تأثیرگذار دیگر،^۱ عدم سرمایه‌گذاری مناسب دولت در این زمینه (غالباً در زمان کاهش بودجه، اولین اقدام کاهش بودجه‌های فرهنگی است)، محدودیت‌های سیاسی برای فعالیت برخی از تشکلهای دانشجویی و... باعث شده است ضمن تأکیدات بسیار ازسوی دغدغه‌مندان فرهنگی و اجتماعی، امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها به امور فوق برنامه و حاشیه‌ای تنزل یابد و در نتیجه کاهش سرمایه‌های فرهنگی- اجتماعی را به دنبال داشته باشد. همچنین می‌تواند موجب رواج رویکردهای ناپسند در بین قشر جوان شود. شناخت گلوگاه‌های اصلی وضعیت موجود و تدوین سازوکارهای مناسب جهت تقویت مسائل فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها و مراکز علمی پیشنهاد می‌شود.

۱۴. به‌کارگیری، ارزیابی و روزآمدسازی ضعیف نقشه جامع علمی کشور

نقشه جامع علمی کشور یکی از اسناد مهم حوزه علم و پژوهش در کشور است و نهادهای تصمیم‌گیرنده و سیاستگذار متعددی (شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت آموزش و پرورش، مجلس شورای اسلامی) در تهیه آن نیز نقش داشته‌اند. با وجود گذشت حدود ۸ سال از تصویب و ابلاغ این سند، به دلیل عدم صراحت نقشه در برخی از بخش‌ها، مشخص نبودن اولویت راهبردهای کلان (۱۳ مورد)، راهبردهای ملی (۷۳ مورد) و اقدامات ملی (۲۲۴ مورد) و معین نبودن متولی هر یک از آنها؛ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور کمتر به آن توجه دارند و نتوانسته‌اند برنامه‌های خود را در مسیر تحقق نقشه تنظیم کنند. البته همان‌طور که بیان شد بخشی از این مسئله می‌تواند ناشی از عدم ارائه دستورالعمل‌های اجرایی برای دانشگاه‌ها و عدم حمایت در زمینه تأمین منابع جهت تحقق بندهای نقشه باشد. توجه ضعیف به نقشه ازسوی دانشگاه‌ها و دستگاه‌ها، موجب مسائل عمده‌ای شده است. که عبارتند از: عدم تمرکز بر ارزیابی و ارزشیابی عملکردهای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی براساس اهداف و اولویت‌های نقشه، مشارکت ضعیف بخش عمومی در دستیابی به اهداف نقشه به‌عنوان اهداف ملی، عدم اطلاع‌رسانی مناسب و بهنگام اقدامات و فعالیت‌های نقشه. بنابراین از آنجایی که بند «۲-۵» فصل پنجم نقشه جامعه علمی کشور به نظام اجرا، نظارت، ارزیابی و به‌روزرسانی نقشه جامع علمی کشور نیز اشاره کرده، ضروری است مهم‌ترین مانع اجرایی نقشه یعنی عدم اولویت‌بندی اقدامات متعدد و مشخص نبودن متولی هر

۱. محمدرضا نیستانی، ریحانه رامشگر، نقش فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه در توسعه فرهنگی جامعه، مهندسی فرهنگی، سال هشتم، ش ۷۶، ۱۳۹۳.

یک آنها، مورد بررسی دقیق قرار گیرد. علاوه بر این، با توجه به سرعت تغییر و تحولات علم و فناوری، اقدامات و راهبردهای مطرح شده در نقشه نیاز به بازبینی اساسی مطابق با این تغییر و تحولات دارند.

۱۵. مأموریت‌گرا نبودن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی

در عرصه بین‌المللی دولت‌ها براساس نیازها و منابع، ظرفیت‌های منطقه‌ای و اهداف خود اقدام به تعریف مأموریت‌های ویژه برای نظام آموزش عالی می‌کنند. موضوع مأموریت‌گرایی دانشگاه‌ها ارتباط وثیقی با موضوع ارتباط دانشگاه و صنعت، برنامه آمایش آموزش عالی و نیز آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی دارد. اصولاً در نظام آموزش عالی کشور کمتر برای دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی مأموریت ویژه تعریف شده است و در مواردی هم که وجود دارد؛ دانشگاه مزبور رویه و نتیجه کاملاً متفاوتی از خود نشان داده است. برای مثال یکی از مراکز پژوهشی موجود که بدواً عهده‌دار ایجاد، توسعه و یا انتقال فناوری‌های مورد نیاز در رفع معضلات پیش روی کشور بوده است؛ هم‌اکنون به مثابه یک دانشگاه به پذیرش دانشجو در مقاطع دکتری و کارشناسی ارشد روی آورده است. نمونه دیگر دانشگاهی است که بدون توجه به ظرفیت‌های خود جهت پذیرش دانشجو در مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری، در این خصوص اقدام کرده است.

بسیاری از دانشگاه‌های کشور متناسب با ظرفیت‌های خود توسعه و گسترش نیافته‌اند، این عامل در کنار سایر عوامل موجبات گسترش قارچ‌گونه آنها را در پی داشته است. عدم پاسخگویی به نیازهای محیطی و به تبع آن برقراری ارتباط ضعیف دانشگاه‌ها با جامعه و صنعت، تضعیف بُعد اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان (برخی از دانشگاه‌های کشور بدون توجه به مأموریت‌های ویژه خود فارغ‌التحصیل رشته‌های یکسان آموزش می‌دهند)، نامتناسب شدن آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی با نیازها، مسائل و پژوهش‌های کاربردی و ... را به دنبال داشته است. تقویت این بعد با شناخت ظرفیت‌ها، کمبودها و مزیت‌های نسبی محیطی به منظور بازتعریف مأموریت‌های ویژه هر دانشگاه و نظارت بر حسن اجرای آنها محقق خواهد شد.

بحران‌های آموزش عالی

مفهوم بحران

در فرهنگ لغت آکسفورد بحران از ریشه کلمه Crisis و به معنای زمان دشواری و خطر شدید است «بحران را می‌توان وضعیتی دانست که در آن فرایند دگرگونی در نظام به شکلی است که استواری و



تعادل نظام به شدت و با نتیجه‌ای نامطمئن به خطر می‌افتد و ضرورت اقدام هر چه سریع‌تر برای اعاده آن یا برقراری نظم مجدد احساس می‌شود.^۱

مفهوم بحران همانند چالش در موقعیت‌های مختلفی به کار می‌رود. برخی از نویسندگان بحران را بر مبنای ویژگی‌های آن تعریف کرده‌اند از جمله ادگار مورن (۱۹۷۷) به نقل از یمنی (۱۳۹۷)، معتقد است بحران با گسترش عدم اطمینان و عدم قطعیت در سیستم شناخته می‌شود، در وضعیت بحرانی، قدرت پیش‌بینی کاهش می‌یابد، بازخورد منفی که اصلاح‌گر سیستم است مسدود می‌شود و بالعکس بازخورد مثبت که ایستایی و رکود را در سیستم به وجود می‌آورد، فعال می‌شود، انسجام در سیستم از بین می‌رود و اجزای مکمل یکدیگر در تضاد با هم قرار می‌گیرند. بنابر تعریف بر حسب ویژگی‌ها، حل بحران می‌تواند حالت جادویی و اسطوره‌ای پیدا کند (به این معنی که حل بحران سخت و پیچیده خواهد شد)، در بهترین حالت حل بحران می‌تواند به ما کمک کند که به وضعیت سابق بازگردیم. در نتیجه می‌توان بیان کرد بحران وضعیتی است که در آن چالش‌ها به حالتی رسیده‌اند که موجودیت و بقای یک پدیده را تهدید می‌کند، به اصطلاح خطر مرگ وجود دارد. براساس این برداشت از مفهوم بحران، بحران‌های نظام آموزش عالی کشور به شرح جدول ۳ شناسایی و احصا شده‌اند.

جدول ۳. بحران‌های آموزش عالی

ردیف	بحران‌ها	منابع احصا
۱	تقلب علمی و ضعف در اجرای قوانین مالکیت فکری	راهبرد ملی ۴ ذیل راهبرد کلان ۱، اقدامات ملی ۵، ۶، ۸ و ۹ ذیل راهبرد کلان ۱ نقشه جامع علمی کشور، راهبرد ۹ فصل هفتم سند دانشگاه اسلامی، بند «۶-۵» سیاست‌های کلی علم و فناوری، تحقیقات انجام شده، اظهار نظر مسئولان
۲	بیکاری دانش‌آموختگان	بیانات رهبری در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری ۱۳۹۴/۰۸/۲۰ بند «۴-۴» سیاست‌های کلی علم و فناوری، راهبرد ملی ۳ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور، بند «ح» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، تحقیقات انجام شده، اظهار نظر مسئولان
۳	بحران مدرک‌گرایی	اقدام ملی ۱۰ ذیل راهبرد کلان ۷ نقشه جامع علمی کشور، اظهار نظر مسئولان تحقیقات انجام شده
۴	ناکارآمدی علوم انسانی	بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - ۱۳۹۴/۰۴/۱۳، اقدام ملی ۴۰ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور، تبصره «۲» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه، بند «۴-۱» سیاست‌های کلی علم و فناوری، تحقیقات انجام شده و اظهار نظر مسئولان

۱. بهرام مستقیمی، در باب تعریف بحران در نظام بین‌المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۳، ش ۱۱۳۷، ۱۳۷۳.

ردیف	بحران‌ها	منابع احصا
۵	تمرکز بر گسترش کمی آموزش عالی	بیانات رهبری در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری - ۱۳۹۴/۰۸/۲۰، اقدام ملی ۳۸ ذیل راهبرد کلان ۶، راهبرد ملی ۱ ذیل راهبرد کلان ۳ و راهبرد کلان ۱۰ و سایر موارد ذیل آن نقشه جامع علمی کشور، ماده (۶۶) قانون برنامه ششم توسعه، فصل ۱ سند دانشگاه اسلامی، تحقیقات انجام شده و اظهارنظر مسئولان
۶	مهاجرت نخبگان	بیانات رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان ۱۳۹۱/۰۵/۰۸، اقدام ملی ۱۵ راهبرد کلان ۹ نقشه جامع علمی کشور، بند «۷-۲» و «۴-۶» سیاست‌های کلی علم و فناوری و راهبرد ۱۵ فصل ۵ سند دانشگاه اسلامی، بند «ث» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه. تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان

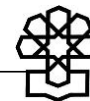
با بررسی منابع و تحلیل‌های صورت گرفته، ۶ بحران در آموزش عالی شناسایی و احصا شدند. در ادامه درخصوص هر یک از بحران‌ها توضیحاتی ارائه شده است.

۱. تقلب علمی و ضعف در اجرای قوانین مالکیت فکری

حق تکثیر، حق تألیف، حق ثبت، حق اختراع و بسیاری حقوق دیگر جزو مالکیت فکری و معنوی به حساب می‌آیند. حمایت قوی و مؤثر از حقوق مالکیت فکری و معنوی سنگ بنایی برای ایجاد سرمایه‌گذاری سالم و بانشاط در تحقیقات، علم و فناوری و نوآوری است و مزایایی از جمله افزایش انگیزه برای نوآوری، ایجاد محیطی خلاق، تشویق به کشف روش‌هایی برای تولید و توزیع فراورده‌های موجود با هزینه کمتر و تشویق به کارآفرینی به همراه دارد. محقق و نوآور با فراهم بودن چنین محیط حمایتی، انگیزه و شوق مضاعفی برای فعالیت خواهند داشت. لکن این حقوق در کشور به دلیل کپی‌برداری‌ها و تکثیر غیرقانونی، شکل‌گیری بنگاه‌های تقلب علمی و ضعف قانونی و ... رعایت نمی‌شوند و این می‌تواند به دلیل نبود سازکارهای مناسب برای تشخیص و تنبیه سارقان علمی، رواج مدرک‌گرایی^۱ و ... باشد. براساس گزارش شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت فکری (IPRI) در سال ۲۰۱۹؛ رتبه کلی ایران در این شاخص از میان ۱۲۹ کشور، ۱۰۳ بوده است. در گزارش مربوطه، کشور ایران و در زیر شاخص محیط حقوقی و سیاسی (LP) رتبه ۹۹، زیر شاخص حقوق مالکیت فیزیکی (PPR) رتبه ۱۰۵ و زیر شاخص حقوق مالکیت فکری (IPR) رتبه ۹۹ را کسب کرده است.^۲ این آمار گواه بر وضعیت نامناسب

۱. بی‌بی‌بی‌بی عشرت زمانی، سیدامین عظیمی، نسیم سلیمانی، شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر سرقت علمی دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۶۷، صص ۱۱۰-۹۱، ۱۳۹۲.

2. International Property Rights Index 2019.



کشور در حفظ حقوق مالکیت فکری محققان و نوآوران و ضعف در اجرای قوانین یا عدم کفایت قوانین در این رابطه دارد.

با وجود ظرفیت مناسب دانشجویان و دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی و بسترسازی و هدایت این نیروها به سمت پیشرفت کشور، تمرکز بر کمیت انتشار مقالات است. لکن عدم آموزش مناسب اخلاق تحقیقات علمی و مجازات برای خاطیان، مشکلات زیادی در پی داشته است. این امر موجب شده جایگاه ایران در میان کشورهایی که دارای میزان استرداد بالای مقالات هستند، نمایان باشد. یکی از دلایل استرداد مقاله، تقلب علمی است (ایران، رومانی، سنگاپور، هند، مالزی، کره جنوبی، چین و... کشورهای با بالاترین استرداد مقاله در مجلات بین المللی محسوب می‌شوند).^۱

۲. بیکاری دانش‌آموختگان

بعد از انقلاب اسلامی همزمان با رشد جمعیت و تقاضا برای ورود به آموزش عالی، توسعه کمی و افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی ضرورتی اجتناب ناپذیر بود، به طوری که در طی یک دهه گذشته تعداد دانشجویان به بالاترین سطح رشد رسید (تعداد دانشجویان در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴، به ۴۳۴۸۳۸۳ نفر رسیده بود)^۲؛ هر چند در طی یکی دو سال اخیر تعداد دانشجویان ورودی آموزش عالی نسبت به چند سال قبل کاهش یافته است؛ غفلت از آموزش‌های مهارت‌محور، عدم تناسب برنامه درسی برخی از رشته‌های تحصیلی با نیاز دانشجویان و جامعه و توجه صرف به محفوظات ذهنی و ... سبب شده که دانشجویان از مهارت پایین برخوردار باشند و بعد از دانش‌آموختگی در انتخاب و یافتن شغل با مشکلاتی مواجه شوند. براساس آخرین گزارش (۱۳۹۶) مرکز آمار ایران حدود ۱,۳۷۸,۹۹۰ فارغ‌التحصیل دانشگاهی بیکار در کشور وجود دارد، ضمن اینکه سالیانه حدود ۸۵۰,۰۰۰ نفر دانشجو از دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل می‌شوند که بسیاری از آنها نیز به خیل عظیم بیکاران می‌پیوندند.^۳ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه جدای از اینکه مسائل اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی را می‌تواند در پی داشته باشد، انگیزه و شوق علمی دانشجویان شاغل به تحصیل را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

طبق آخرین آمار (۱۳۹۶) نرخ بیکاری جمعیت فارغ‌التحصیل و در حال تحصیل دانشگاهی در مجموع ۴۵/۲ درصد و نرخ بیکاران فارغ‌التحصیل معادل ۱۹/۴ درصد است. میزان پراکندگی نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی زیاد است و در برخی از رشته‌ها نزدیک به ۴۱ درصد است^۴ (نرخ بیکاری رشته‌های علوم کامپیوتر ۴۱ درصد و حفاظت محیط زیست ۳۸ درصد است). براساس نقشه جامع علمی کشور تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی باید در سال ۱۴۰۴ به ۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر برسد. بنابراین، این آمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بر آمار موجود افزوده خواهد شد و بحران بیکاری دانش‌آموختگان را تشدید

1. J. Brainard, J. You, Rethinking Retractions, Science, 362, 2018.

۲. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، آمار آموزش عالی، بهار ۱۳۹۶.

۳. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش ملی پایش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری (سال ۱۳۹۷)، پاییز ۱۳۹۸.

۴. مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار، ۱۳۹۵.

خواهد کرد. آمار و ارقام موجود نشان از بیکاری گسترده تحصیلکرده‌های دانشگاهی است. ادامه این روند می‌تواند موجب شود تا بسیاری از رشته‌های دانشگاهی تقاضایی از سوی مردم برای تحصیل نداشته باشند. بیکاری و به‌ویژه بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی آسیب‌های اجتماعی از جمله کاهش منزلت علم، کاهش منزلت اجتماعی متقاضان، کاهش رضایت از زندگی، بیکاری پنهان و شکل‌گیری مشاغل کاذب، رشد مهاجرت نخبگان^۱ و رشد تقلب علمی^۲ را در پی دارد.

۳. بحران مدرک‌گرایی

در نظام آموزش عالی کشور عده‌ای تحصیل با هدف کسب مدرک را یک سرمایه اجتماعی تلقی می‌کنند که حتی در صورت فقدان محتوای لازم می‌تواند امتیازی ویژه برای آنها محسوب شود. برخی از افراد فارغ از محتوا و کیفیت تحصیلی، صرفاً با هدف کسب مدرک وارد نظام آموزش عالی می‌شود. به‌نظر می‌رسد این گونه افراد به‌خصوص جوانان به‌دلایل مختلف از جمله تأخیر در انجام خدمت وظیفه عمومی، فراهم نبودن شرایط ازدواج، فرصت اشتغال و سایر فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، وارد دانشگاه می‌شوند. در همین راستا، اعمال برخی از سیاست‌ها از جمله داشتن مدارک دانشگاهی به‌عنوان یکی از شروط استخدام مقرر در ماده (۴۲) قانون مدیریت خدمات کشوری و همچنین ملاک قرار دادن مدارک دانشگاهی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم ارتقای کارکنان و کارمندان می‌تواند سبب تشدید بحران مدرک‌گرایی شود. همین مسئله می‌تواند فرایندهای مهم‌تر زندگی از جمله تشکیل خانواده و فرزندآوری را به تأخیر بیندازد. از نشانه‌های این بحران می‌توان به بیکاری گسترده دانش‌آموختگان دانشگاهی مدرک‌گرا، رتبه پایین کشور در شاخص جهانی کارآفرینی در سال ۲۰۱۸ (رتبه ۷۲)^۳ و شکل‌گیری بازار خرید و فروش مقاله و پایان‌نامه اشاره کرد. درواقع فرد/افراد بدون توجه به سطح کیفی تحصیلات دانشگاهی در تلاش برای کسب مدرک به هر طریقی خواهد بود. چنین امری باعث افزایش سطح توقعات و امتناع از پرداختن به مشاغل دیگر می‌شود و به تدریج یک نوع بیکاری پنهانی در برخی مشاغل شایع می‌شود، بدین معنا که مشاغل بسیاری وجود دارد که به نیروی کار آموزش‌دیده و دارای مهارت نیاز دارند و از طرف دیگر دانش‌آموختگان بسیاری با مدارج بالایی نیز وجود دارند اما فاقد مهارت لازم برای ایفای نقش هستند. بنابراین به‌نظر می‌رسد در این میان آنچه بیش از همه خود را نشان می‌دهد؛ ضعف در مهارت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموختگانی است که دارای مدارج مختلف علمی نیز می‌باشند اما قادر به رفع نیاز خود (یافتن شغل) و رفع نیاز و خواسته کارفرما نیستند. (این معضل در چند سال اخیر صرفاً محدود به دوره کارشناسی بود، اما اخیراً تب مدرک‌گرایی به دوره تحصیلات تکمیلی نیز سرایت کرده است). یکی از تبعات مدرک‌گرایی، خیل عظیم دانش‌آموختگانی است که فاقد مهارت و کارآیی

۱. غلامرضا ذاکر صالحی، مسائل آموزش عالی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی- اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۷.

۲. ناصر فکوهی، چالش‌ها و چشم‌اندازها در آموزش عالی ایران، دوفصلنامه دانشگاه امروز: دانشگاه در ایران، ظرفیت‌های اکنون و فرصت‌های آینده؛ سال سوم، ش ۴، صص ۱۱۳-۱۱۰، ۱۳۹۸.

۳. بسیاری از افراد صرفاً به قصد گرفتن مدرک وارد دانشگاه می‌شوند و آن میزان مهارت کافی را کسب نمی‌کنند.



لازم در حوزه تخصصی خویش هستند و به تعبیری با صرف زمان، انرژی و هزینه‌های بسیار، خروجی و بهره‌وری مطلوبی از این هزینه‌ها به‌دست نیامده و همین عامل می‌تواند برای کشور که در مسیر توسعه قرار دارد، مطلوب نباشد.

۴. ناکارآمدی علوم انسانی^۱

تحول و ارتقای علوم انسانی موضوعی است که بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان مورد توجه قرار داده‌اند. سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه نیز در تبصره «۲» ماده (۶۴) به این مهم پرداخته است. شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تحقق این هدف، طی مصوبه‌ای در جلسه ۶۵۰ مورخ ۱۳۸۸/۰۷/۲۱، شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی را راه‌اندازی کرده است. همچنین سیاست‌های کلی علم و فناوری نیز به‌طور مشخص در بند «۴-۱» بر ضرورت تحول و ارتقای علوم انسانی تأکید دارد. فعالیت استاد توسعه فناوری‌های نرم و هویت‌ساز ذیل معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری از دیگر تلاش‌هایی است که در راستای اعتلای علوم انسانی آغاز شده است. لکن با وجود سابقه موضوع و تأکیدات بسیار، آن‌چنان که وضعیت علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور نشان می‌دهد؛ برنامه و محتوای درسی غالب رشته‌های علوم انسانی، مبتنی بر جامعه، فرهنگ و نظریه‌های بومی نمی‌باشند؛ محتوای کهنه و ناکارآمدی دارند و نیز تأثیر بسیار کمی در جامعه، فرهنگ و اقتصاد کشور دارند. از نکات قابل تأمل در این خصوص این است که بیشترین حجم دانشجویان کشور (۵۴/۹۲ درصد) در رشته‌های علوم انسانی تحصیل می‌کنند، همچنین بیشترین فارغ‌التحصیل (۵۷/۴۵ درصد) مربوط به این دست از علوم است.^۲ این درحالی است که موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور که حوزه‌های مورد مطالعه علوم انسانی هستند، از آسیب‌های متعددی برخوردارند؛ همین عامل خود گویای اثربخشی پایین این علوم در کشور بوده است.

بخشی از مسئله متأثر از گرایش‌های کلانی چون فناوری اطلاعات و ارتباطات، تکنولوژی و تغییر در الگوهای ارزشی جامعه و به‌تبع آن ارزش‌های علمی در دانشگاه‌های کشور است. علوم انسانی، علمی تولیدکننده هستند (علمی که کشف و ابداع سرمایه‌های معرفتی و سرچشمه‌های دانایی علم بشری مرهون و مدیون آنهاست) نه علمی مصرف‌کننده^۳ (علمی که بیش از هرچیز ناظر به کاربست آن سرمایه‌ها در حل‌وفصل نیازمندی‌های غالباً مادی فرد و جامعه انسانی است). اما آنچه وجود دارد، رویکردی مغایر با این نگاه دارند. نتیجه این امر موجب خواهد شد علوم انسانی در مقام مقایسه با سایر علوم قرار داده شود. در نتیجه «وقتی کارایی و منفعت بر حسب مفاهیم اقتصادی چون قابلیت فروش

۱. بحرانی بودن وضعیت علوم انسانی از موضوعاتی است که خاص کشور ایران نیست و این وضعیت کم و بیش در سایر کشورها نیز وجود دارد.

۲. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش ملی پایش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری (سال ۱۳۹۷)، پاییز ۱۳۹۸ (آمار مربوط به سال ۱۳۹۵ است).

۳. سیدعلیرضا حسینی بهشتی، سه آفت علوم انسانی در ایران معاصر، دو فصلنامه دانشگاه امروز، دانشگاه در ایران: ظرفیت‌های اکنون و فرصت‌های آینده، سال سوم، ش ۴، صص ۶۹-۶۳، ۱۳۹۸.

محاسبه می‌گردند، علوم انسانی را فقط می‌توان به منزله مقولاتی ناکارآمد و نامرتبط، مختص نخبگان، غیر قابل عمل و منسوخ فرض کرد.^۱ نتیجه ثانویه آن باعث می‌شود کسانی که از توانایی بیشتری نیز برخوردارند، هنگامی که با این ناکارآمدی مواجه می‌شوند از انتخاب این دست از رشته‌ها سرباز می‌زنند؛ و همین عامل چرخه ناکارآمدی علوم انسانی را نیز تکمیل می‌کند.

۵. تمرکز بر گسترش کمی آموزش عالی

یکی دیگر از بحران‌های نظام آموزش عالی کشور، حاکمیت پارادایم کمی و به تبع آن افت کیفیت آموزش عالی می‌باشد (در فعالیتهای دانشگاهی، کیفیت یک عنصر خاص مدنظر نیست بلکه به جهت تعامل میان عناصر مختلف، کیفیت کل عناصر باهم دیده می‌شود).^۲ در دهه گذشته وجود متقاضیان بسیار و لزوم گسترش عدالت آموزشی؛ توسعه کمی آموزش عالی (تعداد دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی آموزشی و پژوهشی به ۲۷۲۴ واحد رسیده است) یک ضرورت محسوب می‌شد اما این موضوع بدون برنامه‌ریزی و فراهم‌سازی امکانات کیفی باعث افت کیفیت شد؛ به نحوی که دانشگاه‌های کشور با تعداد بسیار زیاد رشته‌ها و دانشجویان فعالیت می‌کنند، اما آن کیفیت و استاندارد مطلوب عملاً در دانشگاه‌ها به وجود نیامده است. با بررسی شاخص‌ها؛ وضعیت کیفی آموزش عالی کشور از نظر شاخص نسبت استاد به دانشجو (ایران با دارا بودن نسبت ۵۴ بیشترین مقدار این نسبت را در مقایسه با کشورهای ترکیه با نسبت ۴۰، هندوستان با نسبت ۲۴، ژاپن با نسبت ۷، آمریکا با نسبت ۱۲، عربستان با نسبت ۲۰ و... دارد) سهم هزینه کرد دولت به ازای هر دانشجو (ایران با هزینه کرد ۷۸۲ دلار به ازای هر دانشجو کمترین مقدار در مقایسه با ترکیه با ۲۶۴۷ دلار، کره جنوبی با ۳۸۲۸ دلار، ژاپن با ۹۹۵۱، انگلستان با ۱۶۱۶۷ دلار داراست)،^۳ سرانه فضای آموزشی و کمک آموزشی و رفاهی (برای کل دانشجویان کشور سرانه فضای آموزشی برای هر دانشجو ۱/۸۲ مترمربع، سرانه فضای کمک آموزشی و رفاهی ۲/۱۱ مترمربع و در مجموع حدوداً ۴ مترمربع برای هر دانشجو^۴ فضا اختصاص داده شده است) ... مناسب نیست. بنابراین دانشجو که لازم است در فضای مناسب از نظر آموزشی و رفاهی تأمین باشد تا فعالیت‌های یاددهی و یادگیری به بهترین نحو اتفاق بیفتد، در چنین وضعیتی از کیفیت نسبی برخوردار نخواهد بود.

افزایش ظرفیت پذیرش دانشجویان و گسترش کمی آموزش عالی بدون مطالعه امکان‌سنجی و گاهی اوقات براساس فشارهای اجتماعی و سیاسی از یکسو و اتکای بیش از حد آموزش عالی به اعتبارات محدود دولتی و شهریه دانشجویان ازسوی دیگر (بیش از ۸۰ درصد بودجه دانشگاه‌ها دولتی از دولت

۱. نعمت‌اله عزیزی، «بررسی چالش‌ها و نارسایی‌های تحصیلات دانشگاهی در حوزه علوم انسانی، تأملی بر نظرات دانشجویان»، آموزش عالی ایران، ش ۲، ۱۳۸۷.

۲. دانشگاه، دانشجو و استادان بسیاری در کشور هستند که از کیفیت مناسب برخوردارند. بنابراین در اینجا کلیت سیستم مد نظر قرار داده شده و به نسبت منابع، هزینه‌ها، تلاش‌ها ... دانشگاه‌های کشور از سطح مطلوب و بهینه کیفیت فاصله دارند.

۳. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش ملی پایش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری (سال ۱۳۹۷)، پاییز ۱۳۹۸.

۴. حجتا... عبدالملکی، دانشنامه دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی؛ جلوه‌هایی از عظمت ملت ایران، جلد دوم: علم و فرهنگ، معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نوبت چاپ: اول- آبان ۱۳۹۷.



دریافت می‌شود) سهم هر یک از دانشگاه‌ها را از محل اعتبارات عمومی کاهش داده که این امر به خصوص در شرایط تحریمی به افت کیفیت منتهی خواهد شد. کیفیت خدمات پایین در بلندمدت تأثیرات مخرب خود را در تضعیف عملکرد دانشگاه، کاهش سرمایه‌های اجتماعی دانشگاه، تقلیل انگیزه‌های یادگیری، نارضایتی ذی‌نفعان، کاهش تولید، توزیع و ترویج علم و ... نشان خواهد داد. اینکه این بحران، چگونه قابلیت اصلاح و بازگرداندن دارد؛ مسئله‌ای است که نیاز به تحقیق و بررسی دارد.

۶. مهاجرت نخبگان

مهاجرت نخبگان به این معناست که زمینه علمی، اقتصادی، فناوری، سیاسی، امکانات پژوهشی، رفاهی نخبگان در جامعه به‌طور مناسب فراهم نباشد و نیز جامعه در استفاده از توان و تخصص آنها ناتوان باشد، این نیروها برای کسب تجربه، پیشرفت علمی، دستمزد بالاتر و منزلت و رفاه اجتماعی،^۱ مهاجرت دائمی یا نیمه‌دائمی به سایر کشورها دارند. بررسی شاخص‌های بهره‌برداری از سرمایه انسانی نشان می‌دهد که ایران جایگاه شایسته‌ای در این زمینه ندارد. طبق گزارش جهانی رقابت‌پذیری استعداد کشور ایران در میان ۱۲۵ کشور جهان رتبه ۹۷ را از نظر توسعه، جذب و نگهداری استعداد دارد.^۲ این بدین معناست که کشور در مدیریت منابع انسانی نخبه عملکرد مناسبی ندارد. برای مثال با وجود اینکه ایران از نظر تعداد مهاجران به مقصد کشورهای OECD با ۱۱۷ هزار نفر در میان ۱۰ کشور آسیایی جایگاه ۹ را داشته است، در سال ۲۰۱۰ بیشترین درصد مهاجران با تحصیلات بالا (بالاتر از دیپلم) به نسبت کل مهاجران خود با میزان ۶۸/۴ درصد به مقصد این کشورها را کسب کرده است. علاوه بر این از آنجایی که ایران از نظر مهاجرت دانشجو به آمریکا به‌عنوان مهم‌ترین مقصد مهاجران، بین کشورهای مهاجرفرست (عربستان، چین، روسیه، ترکیه، کره جنوبی، هند، آفریقای جنوبی، مصر و برزیل) در سال ۲۰۱۵ با ۷,۹۳۷ نفر مهاجر رتبه ۸ را داشته است. اما نکته مهم‌تر در اینجا میزان ماندگاری نخبگان در آن کشور است که ایران با روند صعودی (میانگین ۹۱ درصد) از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ بین کشورهای چین، هند، مصر، ترکیه، روسیه و ژاپن، رتبه اول را دارد.^۳

مهاجرت به قصد تحصیل و ارتقای توانمندی‌ها، فی‌نفسه مناسب است، اما چنانچه اکثریت تصمیمی برای بازگشت به کشور نداشته باشد، باید از آن به‌عنوان بحران مهاجرت یاد کرد. با توجه به میزان مهاجرت و ماندگاری نخبگان کشور، این موضوع در طی چند سال اخیر به‌گونه‌ای پیش رفته است که به امری معقول در بین نخبگان دانشگاهی پذیرفته شده است. بحران مهاجرت نخبگان آثار و تبعات اعم از خروج سرمایه علمی و اقتصادی از کشور، تأثیر مخرب بر توسعه و آینده کشور به‌دلیل کاهش نیروی

۱. ابوالفضل شاه‌آبادی، مرضیه صالحی، تأثیر توسعه صادرات با فناوری برتر بر مهاجرت نخبگان در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منطقه منا)، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۴، ش ۲، ۱۳۹۸.

2. The Global Talent Competitiveness Index 2019.

۳. پژوهشکده مطالعات فناوری، بررسی تطبیقی وضعیت کشور در مهاجرت و جابه‌جایی بین‌المللی افراد تحصیلکرده، ۱۳۹۵.

نخبه، استفاده کشورهای بیگانه از نیروی نخبه کشور بر علیه منافع کشور همچنین کاهش سرعت رشد و توسعه کشور را به دنبال دارد.

پیشران‌های آموزش عالی

مفهوم پیشران

در متون آینده‌پژوهی، پیشران‌ها اشاره به نیروهای عمده شکل‌دهنده آینده جهان دارند. بدیهی است که پیشران‌ها به صورت غیرمستقیم بر حوزه‌های مختلف تأثیرگذارند. به عبارت روشن‌تر پیشران‌ها «مجموعه‌ای از نیروهای شکل‌دهنده به آینده‌اند که به صورت جهانی یا محلی، بر آینده‌های مختلف تأثیر می‌گذارند. پیشران‌ها به صورت غیرمستقیم حوزه‌های اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی را متأثر می‌سازند»^۱.

آموزش عالی هم مولد توسعه است و هم مولود توسعه. به عبارتی نظام آموزش عالی به مثابه پیشران توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و...؛ برای توسعه و پایداری خود نیازمند پیشران‌هایی است تا بتواند در عصر پر تلاطم موجودیت خود را حفظ کند. آموزش عالی کشور ضمن برخورداری از چالش‌ها و بحران‌های متعدد، ظرفیت‌های متنوع و تا حدودی ناشناخته‌ای دارد. پیشران‌هایی که در صورت شناسایی و به کارگیری می‌توانند بخشی از چالش‌های موجود را بر طرف نمایند. از این رو مواردی تحت عنوان پیشران‌های آموزش عالی (ناظر به ویژگی اهرمی بودن آنها) شناسایی شده است. در ادامه براساس همین برداشت از مفهوم پیشران، پیشران‌های نظام آموزش عالی کشور به شرح جدول ۴ شناسایی و احصا شده‌اند.

۱. هادی البرزی دعوتی، اکبر نصرالهی، تحلیل روندها و پیشران‌های مؤثر بر خبر صدا و سیما در ۵ سال آینده، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۲۵، ش ۲، ۱۳۹۷.



جدول ۴. پیشران‌های آموزش عالی

ردیف	پیشران‌ها	منابع احصا
۱	شکل‌گیری نهاد اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی	بند «۳-۲» سیاست‌های کلی علم و فناوری، اقدام ملی ۹ ذیل راهبرد کلان ۶، اقدام ملی ۱۱ ذیل راهبرد کلان ۱ نقشه جامع علمی کشور، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان
۲	بین‌المللی‌سازی آموزش عالی	راهبرد کلان ۹، اقدام ملی ۱ و ۷ و سایر اقدامات ذیل راهبرد کلان ۹ نقشه جامع علمی کشور، بند «۸-۵» سیاست‌های کلی علم و فناوری، بند «الف» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه، فصل ۳ و راهبرد ۱۲ فصل زیر نظام فرهنگی، راهبرد ۱۴ فصل ششم سند دانشگاه اسلامی، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان
۳	نهادینه‌سازی رصد علم، فناوری و نوآوری	دیدار رهبری با شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان - ۱۳۹۲/۰۷/۱۷، بند «۳-۲» اقدامات ذیل راهبرد ۲ فصل هفتم سند دانشگاه اسلامی، راهبرد ۵ ذیل فصل هفتم سند دانشگاه اسلامی، راهبرد ملی ۱ و ۶ ذیل راهبرد کلان ۴ و اقدام ملی ۱ و ۳ ذیل راهبرد کلان ۴، اقدام ملی ۷ ذیل راهبرد کلان ۵، اقدام ملی ۱۴ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور و بند «۴-۲» سیاست‌های کلی علم و فناوری، اظهارنظر مسئولان، تحقیقات انجام شده
۴	هدایت و راهبری فضای رقابتی موجود بین دانشگاه‌ها و دانشگاهیان به سمت حل مسئله	بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان - ۱۳۹۲/۰۷/۱۷ و بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ و ۱۳۹۲/۰۷/۱۳۹۰ بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، بند «الف» ماده (۶۴) برنامه ششم توسعه، اقدام ملی ۱۸ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور، بند «۳-۸» فصل ششم و راهبرد ۴ فصل هفتم سند دانشگاه اسلامی، تحقیقات انجام شده، اظهارنظر مسئولان
۵	ظرفیت بالای منابع انسانی تحصیلکرده	بیانات رهبری در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها - ۱۳۹۰/۰۶/۰۲، راهبرد ملی ۶ ذیل راهبرد کلان ۸ نقشه جامع علمی کشور، بند «ث» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه، اظهارنظر مسئولان، تحقیقات انجام شده
۶	فضاهای فیزیکی گسترده و بلااستفاده در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی	اظهارنظر مسئولان
۷	جلب مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی	بیانات رهبری در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری - ۱۳۹۴/۰۸/۲۰، بند «۷-۵» سیاست‌های کلی علم و فناوری، اقدام ملی ۳ و ۱۲ ذیل راهبرد کلان ۳، اقدام ملی ۷ و ۲۴ ذیل راهبرد کلان ۶ نقشه جامع علمی کشور، بند «پ» ماده (۶۴) و بند «ث» ماده (۶۵) قانون برنامه ششم توسعه، اظهارنظر مسئولان
۸	توافق بین مسئولان و کنشگران علم جهت اصلاح و توسعه کیفی نظام آموزش عالی	پژوهشگر (این مورد کمتر در منابع ممکن اشاره شده بود و پژوهشگر با تأمل به این مورد پی برده است)
۹	وجود ظرفیت‌های قانونی در اسناد بالادستی جهت سیاستگذاری‌های کیفی در نظام آموزش عالی	راهبرد ملی ۵ ذیل راهبرد کلان ۱ نقشه جامع علمی کشور

با بررسی و تأمل در منابع و تحلیل‌های صورت گرفته، ۹ پیشران نظام آموزش عالی مورد شناسایی و احصا قرار گرفت. در ادامه درخصوص هر یک از آنها توضیحاتی ارائه شده است.

۱. شکل‌گیری نهاد اعتبارسنجی و نظام تضمین کیفیت در آموزش عالی

ارزشیابی آموزش عالی قبل از اینکه یک تشکیلات باشد، یک فرهنگ است. تضمین کیفیت آموزش عالی نیازمند نظامی از ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌هاست که باید در میان همه کنشگران این حوزه توسعه پیدا کند و از ویژگی شفافیت، مسئولیت‌پذیری، انتقادپذیری، پاسخگویی، گزارش‌دهی، میل به بهبود، مشارکت‌جویی، خودارزیابی ... برخوردار باشد. اصولاً ارزشیابی آموزش عالی به معنای مچ‌گیری و کنترل بیرونی نیست. نکته با اهمیت دیگر اینکه یکی از پیش‌شرط‌های نظام تضمین کیفیت، استقرار نظام اطلاعات آموزش عالی در جهت شفافیت است. بدون اطلاعات کافی از درون‌دادها، فرایند و به‌ویژه محصولات، برون‌دادها و پیامدها، امکان نگرش سیستمی به آموزش عالی و پایش آن و اطمینان از کیفیت عملکرد وجود نخواهد داشت.

در نظام علم و فناوری کشور نهادهای متفاوت و متعددی وجود دارند که هر یک دارای کارکردهای مختلفی هستند. در این میان آنچه که در نهادهای مربوطه غایب است و به‌طور کافی به آن پرداخته نشده است، بحث نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظام آموزش عالی برای بهبود مدام کیفیت، نیازمند یک نهاد ملی برای تضمین کیفیت است. تجارب بین‌المللی نیز گویای آن است که در هر کشوری، یک نهاد به‌صورت چترگونه و برای ایجاد یکپارچگی در سطح ملی متولی تضمین کیفیت آموزش عالی شده است. برای مثال کمیسیون ملی ارزشیابی و اعتبارسنجی دانشگاه‌ها^۱ در کشور آرژانتین، کمیته کیفیت آموزش عالی^۲ در آفریقای جنوبی، نهاد تضمین کیفیت دانشگاه‌های استرالیا،^۳ شورای کیفیت آموزش عالی^۴ در انگلستان و ... با هدف اعتبارسنجی و تضمین کیفیت نهادهای آموزش عالی به‌وجود آمده‌اند.^۵ بر این اساس نهاد تضمین کیفیت آموزش عالی کشور، به‌عنوان یک نهاد واسط بین دولت (به‌عنوان سیاستگذار) و مجریان (دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی) عمل خواهد کرد. و ابعاد دیگر آموزش عالی ازجمله کیفیت خدمات تخصصی دانشگاه‌ها به جامعه، رابطه دانشگاه با صنعت و بازار کار، کارآفرینی دانشگاه، نظام ملی نوآوری، عرضه فناوری و تولید ارزش‌افزوده، پاسخگویی به نیازهای توسعه ملی و تناسب با ویژگی‌های جامعه محلی و اولویت‌های سرزمینی و فرهنگی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

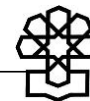
1. CONEAU

2. HEQC

3. AUQA

4. HEQC

۵. مقصود فراستخواه، دانشگاه ایرانی و مسئله کیفیت، نشر آگاه، ۱۳۸۸.



بعد دیگر این پیشران که می‌تواند برای نظام آموزش عالی کشور مفید فایده باشد این است که دانشگاه‌های کشور به نظام‌های تضمین کیفیت دنیا (مانند شبکه کیفیت آسیا پاسفیک^۱ و شبکه بین‌المللی تضمین کیفیت^۲ آموزش عالی) متصل شوند. پیوستن به پیمان‌های بین‌المللی آموزشی و اعتبارسنجی باعث خواهد شد که دانشگاه‌های کشور برای تضمین کیفیت خود مدام در حال تکاپو باشند و خود را به استانداردهای جهانی برسانند. به عبارتی نهادسازی اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در سطح ملی و اتصال آن به نهادهای بین‌المللی تضمین کیفیت، از پیشران‌های آموزش عالی کشور است.

۲. بین‌المللی‌سازی آموزش عالی

بین‌المللی‌سازی/ شدن آموزش عالی به فرایند ارتقای کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات اطلاق می‌شود. این فرایند در سه سطح مؤسسه‌ای، بخشی و ملی قابل پیگیری است. گسترش تعاملات بین‌المللی دانشگاهی و افزایش همکاری‌های آموزشی و پژوهشی، عضویت در شبکه‌های دانشگاهی و نیز اتصال به نظام‌های تضمین کیفیت آموزش عالی، حضور پررنگ دانشگاه‌ها در رتبه‌بندی‌های معتبر بین‌المللی، برخورداری از محتوا و برنامه‌های درسی در سطح کیفی بالا و... لازمه‌های گسترش بُعد بین‌المللی آموزش عالی است.^۳ از این رو با توجه به اینکه در راهبرد کلان ۹، اقدام ملی ۱ و ۷ و سایر اقدامات ذیل راهبرد کلان ۹ نقشه جامع علمی کشور، بند «۸-۵» سیاست‌های کلی علم و فناوری و همچنین بند «الف» ماده (۶۴) قانون برنامه ششم توسعه؛ به صراحت بر گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی تأکید شده است. درواقع با توجه به اشارات اسناد بالادستی و تغییرات چند دهه گذشته لازم است که دانشگاه‌های کشور در رسالت‌ها، مأموریت‌ها، اهداف و کارکردهای خود بازنگری‌هایی داشته باشند و بین‌المللی‌سازی آموزش عالی را به‌عنوان راهبردی استراتژیک در چشم‌اندازهای دانشگاهی بگنجانند تا از این راه بتوانند به گسترش وجهه بین‌المللی، گسترش دیپلماسی علمی، تبادلات دانشجویی و هیئت علمی، فرصت‌های مطالعاتی اعضای هیئت علمی، برطرف نمودن تنگنای مالی و افزایش کیفیت آموزشی دانشگاه‌های کشور همچنین گسترش فرهنگ دینی و ملی کمک کنند. به عبارتی افزایش تعداد دانشجویان بین‌المللی در دانشگاه‌های کشور مستلزم توسعه کیفی این دانشگاه‌ها و قرار گرفتن در جایگاه مناسب در رتبه‌بندی بین‌المللی و تبلیغ این قابلیت‌ها در سطح جهان است. این دانشجویان پس از بازگشت به کشور خود به‌عنوان سفیران تخصصی فرهنگی می‌توانند تصویر مناسبی از ایران را به مردم کشور خود ارائه دهند. با وجود مزیت‌های فوق؛ با توجه به بهبود کیفیت آموزشی و پژوهشی و نیز رفاهی دانشگاهی در نتیجه بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌ها؛ این امر می‌تواند از نظر کاهش مهاجرت نخبگان کشور نیز مؤثر باشد.

1. Asia Pacific Quality Network (APQN)

2. International Network for Quality Assurance Agencies (INQAAHE)

۳. عباس بازرگان، لایلا فیشالنج، فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها: موردی از آموزش عالی ایران، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۱، ش ۴، ۱۳۹۴.

طبق گزارشات سال ۲۰۱۴ کشورهای عربستان با ۸۲۹۷۹، ترکیه با ۴۵۱۸۵ و مالزی با ۶۳۰۸۸ دانشجوی خارجی در مقایسه با ایران با ۱۱۲۸۸؛^۱ به عنوان رقبای علمی کشور در سطح منطقه و آسیا رشد مناسبی در جذب دانشجویان بین‌المللی داشته‌اند. وضعیت فعلی نظام آموزش عالی در زمینه بین‌المللی شدن، نشان می‌دهد که میزان جذب دانشجویان و اساتید خارجی هنوز از سطح مورد انتظار و ظرفیت موجود به دور است. به عبارت دیگر می‌توان گفت در حال حاضر بین‌المللی شدن آموزش عالی کشور یک ظرفیت نیست، بلکه یک ضرورت است.^۲ بنابراین مواجهه با این ضرورت، نیازمند آمادگی در ابعاد سیاسی و امنیتی، فرهنگی، علمی است.

۳. نهادهای سازنده رصد علم، فناوری و نوآوری

موضوع آمار و اطلاعات یکی از کلیدی‌ترین مسائل در تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی در حوزه‌های مختلف است. بر همین مبنا مدیریت و سیاست‌گذاری نظام علم، فناوری و نوآوری در سطح ملی، نیازمند آمار و اطلاعات دقیق و معتبر از بخش‌های مختلف این نظام است. به عبارت روشن‌تر تصمیم‌گیرندگان حوزه علم و فناوری باید بصیرت و آگاهی خود را از این اطلاعات کسب نموده و تصمیمات‌شان را بر پایه آمارهایی بنا کنند که نشان‌دهنده وضعیت موجود و یا پیش‌بینی روندهای آینده است. در حال حاضر یک نظام ملی کارآمد و جامع در زمینه‌های رصد بازار علم و فناوری، رشد اشتغال فارغ‌التحصیلان، رصد نخبگان، رصد تحولات علمی و فنی، رصد نتایج سیاست‌گذاری‌های علم و فناوری وجود ندارد. علاوه بر این در بعضی از شاخص‌ها آمار و اطلاعات به صورت شفاف و قابل فهم تولید نمی‌شود و به نوعی ابهام دارند. بر همین اساس ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات جامع و کارآمد باید در اولویت تصمیمات قرار بگیرد. گستره فعالیت نظام اطلاعات علم، فناوری و نوآوری هم در عرصه‌های بین‌المللی آموزش عالی (تحولات فناوری و نوآوری) است و هم در داخل کشور در سطح ملی و حتی مؤسسه‌ای است. آموزش عالی کشور تاکنون نتوانسته است خود را با تغییرات و تحولات سازگار کند و به جای مواجهه واکنشی بتواند مواجهه ابتکاری و فعال داشته باشد و در این زمینه از ظرفیت‌های موجود بهره بگیرد و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی خود را متناسب با تحولات، تغییر دهد.^۳

نهادهای کردن این سازوکار با توجه به پراکندگی نظام آموزش عالی، حجم وسیع دانش تولید شده در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، ارتباط ضعیف پژوهش‌ها با مسائل کشور، تحولات جهانی در علم، فناوری و نوآوری و همچنین هزینه‌های بسیاری که در این راستا صرف می‌شود؛ می‌تواند موجب وحدت رویه در سیاست‌گذاری توسعه، برقراری پیوند بین پژوهش‌ها و مسائل کشور، برقراری ارتباط

۱. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش ملی پیش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری (سال ۱۳۹۷)، پاییز ۱۳۹۸.
 ۲. ذاکر صالحی، مسائل آموزش عالی ایران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی- اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۷.
 ۳. هم‌اکنون کشورهای مختلفی از جمله کانادا، انگلستان، فرانسه، اسپانیا، هلند و... رصدخانه‌های مهمی در زمینه علم و فناوری دارند. رصدخانه فناوری اطلاعات و ارتباطات اروپا (European Information Technology Observatory) از مهم‌ترین آنهاست.



شبکه‌ای بین نهادهای متولی علم و فناوری و جلوگیری از موازی‌کاری آنها، حرکت در راستای تحولات جهانی آموزش عالی و... شود. لازمه این پیشران نیز مقولاتی از جمله داشتن رویکرد آینده‌نگر در کنار تحلیل وضعیت گذشته و موجود نظام علم، فناوری و نوآوری، وجود نیازسنجی نظام مسائل و موضوعات پژوهشی، وجود شبکه‌ای بین پژوهشگران، دسترسی آسان و شفاف به سوابق پژوهشی، دسترسی به داده‌ها و اطلاعات مرتبط با مسائل کشور به عبارتی دسترسی به متن و محتوای پژوهش که در برخی از موارد حتی عناوین پژوهش‌های صورت گرفته در کشور در دسترس نیست.

۴. هدایت و راهبری فضای رقابتی موجود بین دانشگاه‌ها و دانشگاهیان به سمت حل مسئله

در حال حاضر بسیاری از دانشگاه‌های کشور بر سر اینکه کدامیک مقالات بیشتری در ژورنال‌های بین‌المللی چاپ کنند درگیر رقابت هستند. و در این راستا با سازوکارهایی تئوریک و کمتر کاربردی و مسئله‌محور در پی افزایش این آمار هستند. برخی از دانشگاه‌ها نیز بدون توجه به ظرفیت‌ها و مأموریت‌های خود، برای جذب دانشجو در مقاطع تحصیلات تکمیلی رقابت می‌کنند. اگر چه در این خصوص باید اذعان کرد بسیاری از دانشگاه‌های کوچک کشور توانسته‌اند با استفاده سازوکار موجود در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی حائز رتبه‌های بالایی شوند^۱ اما آنچه مهم‌تر است، وضعیت استفاده و بهره‌برداری از این دانش تولید شده در جهت بهبود فضای کلی کشور است. از این رو مسائل کاهش کیفیت آموزش عالی، بی‌توجهی به مأموریت‌های ویژه هر دانشگاه، ناظر نبودن پژوهش‌ها به مسائل کشور، تناسب کمتر دانشگاه‌های با برنامه‌های آمایش آموزش عالی، سوق دادن دانشجویان و محققان به سمت چاپ مقالات به هر طریقی تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. بخش عمده چنین وضعیتی ناشی از سیاستگذاری‌هایی است که باعث می‌شود دانشگاه‌ها و دانشگاهیان به سمت تولیدات کمی و غیرهدفمند و پذیرش بی‌رویه و بی‌ضابطه دانشجو به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی سوق پیدا کنند.

آنچه مسلم است ظرفیت موجود در دانشگاه‌های کشور می‌تواند با سیاست‌ها و سازوکارهای تشویقی و صحیح به سمت حل مسائل کشور، نوآوری و تولید محصول هدایت شود. دانشگاه‌های کشور باید در این راستا مأموریت‌ها، رسالت‌ها و اهدافشان را بازبینی و بازطراحی کنند. راهبری چنین فضای رقابتی به دانشگاه‌ها کمک خواهند کرد تا در جذب منابع (مالی، انسانی، اطلاعاتی و...)، بهبود مداوم کیفیت آموزشی و پژوهشی، اثرگذاری بر جامعه و... باهم رقابت کنند.

۵. ظرفیت بالای منابع انسانی تحصیلکرده

با نگاهی به تاریخ برنامه‌ریزی‌های توسعه کشورها، بحث کمبود منابع انسانی کارآمد غالباً از مسائل اصلی بوده است. این مهم به‌ویژه در تاریخ برنامه‌های توسعه کشور از اولین برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب (۱۳۲۷ به بعد) کاملاً مشهود بوده است. به گونه‌ای که به دلیل فقدان افراد تحصیلکرده، گروه‌های مختلفی

۱. طبق آخرین گزارش پایگاه رتبه‌بندی تایمز در سال ۲۰۱۹، ۲ دانشگاه کوچک کشور با استفاده از امتیاز استنادات علمی، حائز رتبه های ۱ و ۲ در بین دانشگاه‌های کشور شدند.

از دانشگاه‌های غربی در قالب مشاور و متخصص وارد کشور می‌شدند^۱ تا مسئولان را در امر برنامه‌ریزی توسعه یاری رسانند. گذشته از این، پروژه‌ها، طرح‌ها و بسیاری از امور کشور به‌دست نیروی انسانی وارداتی اداره می‌شدند. نمونه بارز آن حضور پزشکان هندی در کشور به‌دلیل کمبود نیروی انسانی تحصیلکرده در این زمینه بود.

سرمایه انسانی هم در «تولید ثروت» و هم در «حفظ ثروت» در کشور نقش کلیدی ایفا می‌کند. اهمیت این مسئله به‌ویژه در شرایطی که کشور در حال گذار به سمت یک اقتصاد دانش‌بنیان قرار گرفته، مضاعف است. نظام آموزش عالی کشور در چند دهه اخیر توانسته ظرفیت عظیمی از منابع انسانی تحصیلکرده و متخصص را تحویل جامعه بدهد و متولیان برنامه‌های توسعه کشور را در زمینه نیازمندی به افراد تحصیلکرده و متخصص یاری رساند. در ابتدای انقلاب اسلامی در کشور ۱۷۴,۲۱۷ دانشجو بود اما بعد از انقلاب این تعداد به ۴,۳۴۸,۳۸۳ دانشجو رسید. تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز رقمی چند برابر تعداد دانشجویان است. چنین ظرفیت عظیمی از نیروی انسانی تحصیلکرده و متخصص برای هر کشور یک امتیاز محسوب می‌شود. این عامل به مدیران و سیاستگذاران کشور کمک می‌کند تا بتوانند برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه کشور را از طریق نیروی انسانی تحصیلکرده و متخصص پیگیری کنند. وجود تعداد بالای دانشجویان و دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی اهمیت موضوع را چندبرابر می‌کند.

۶. فضاهای فیزیکی گسترده و بلااستفاده در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی

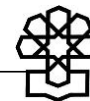
جدول ۵. تعداد مؤسسات آموزش عالی به تفکیک نوع وابستگی

در سال تحصیلی ۱۳۹۷ - ۱۳۹۶

دانشگاه‌ها	وزارت علوم تحقیقات و فناوری	دانشگاه پیام نور	دانشگاه جامع علمی - کاربردی	دانشگاه فرهنگیان	دانشگاه فنی و حرفه‌ای	دانشگاه آزاد	سایر دستگاه‌های اجرایی	مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	جمع کل
تعداد	۱۴۰	۵۱۶	۹۰۸	۱۰۰	۱۷۱	۴۸۴	۳۰	۳۰۹	۶۶	۲۷۲۴

مأخذ: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

۱. گروه مشاوران دانشگاه هاروارد که از برنامه سوم توسعه (۱۳۴۶-۱۳۴۱) در کشور حضور یافتند. تجارب این گروه در قالب کتابی با عنوان «کتاب برنامه‌ریزی و توسعه در ایران (تجربه گروه مشاوران هاروارد در ایران)» ازسوی انتشارات علم، منتشر شده است.



آمار موجود نشان از تعداد بسیار زیاد مؤسسات آموزش عالی کشور دارد. با توجه به اینکه اکثر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای پاسخگویی به خیل عظیم متقاضیان (دهه گذشته) آموزش عالی تأسیس و راه‌اندازی شده‌اند از حجم فضاهای فیزیکی مناسبی برخوردارند. با این حال وجود فضاهای فیزیکی گسترده از یک طرف و کاهش جمعیت دانشجویی در چند سال اخیر از طرف دیگر موجب شده است فضاهای فیزیکی بسیاری در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بلااستفاده بماند. علاوه بر این هزینه بالای ساخت و نگهداری فضاهای فیزیکی نیز باعث شده این ظرفیت برای دانشگاه و مخاطب (که می‌تواند دانش‌آموختگان دانشگاه، شرکت‌های دانش‌بنیان و سایر نهادها باشد) مزیت‌هایی به وجود بیاورد. لازم است بیان شود شرکت‌های دانش‌بنیان که به عنوان یک ظرفیت مناسب در تحول ارتباط دانشگاه و صنعت نقش مهمی ایفا می‌کنند، طبق بررسی‌های اولیه با مشکل تأمین فضای فیزیکی جهت انجام فعالیت‌هایشان مواجهند، لذا قرار دادن امکان فوق در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان هم برای دولت از نظر جلوگیری از استهلاك ساختمان‌ها، کاهش هزینه‌ها و نیز اشتغال‌مزایی دارد و هم برای شرکت‌های دانش‌بنیان به خصوص اینکه در مراحل ابتدایی شکل‌گیری با مشکل تأمین منابع مواجه هستند می‌تواند مفید باشد. در این زمینه مطالعه‌ای نیاز است تا حجم چنین فضاها و ظرفیت‌های شناسایی شود.

۷. جلب مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی

امروزه گستردگی جریان علم و فناوری و نیاز به سرمایه‌گذاری‌های بیش‌تر در این زمینه باعث شده است که دولت به تنهایی توان سرمایه‌گذاری در این زمینه گسترده را نداشته باشند، به خصوص زمانی که قیمت نفت و فراورده‌های نفتی با کاهش محسوس روبه‌رو بوده است. لذا در این برهه نیاز به مشارکت بخش غیردولتی و خصوصی در آموزش عالی، علم و فناوری بیش از هر زمانی است. دولت در این زمینه می‌تواند اقدامات و راهبردهای انگیزشی برای بخش غیردولتی تدارک ببیند تا شاهد مشارکت گسترده و روزافزون این بخش فعال در زمینه علم و فناوری در کشور باشد. اگر بخش‌های خصوصی و غیردولتی و سایر ذی‌نفعان آموزش عالی در فرایند تأمین مالی آموزش عالی مشارکت داده شوند، آنها نسبت به آموزش عالی تعلق و تعهد پیدا خواهند کرد و در برابر اقدامات و فعالیت‌هایی که در درون آموزش عالی صورت می‌گیرد، حساس و نسبت به آن واکنش نشان خواهند داد. از سوی دیگر، با مشارکت دادن بخش خصوصی در آموزش عالی، دانشگاه‌ها و مسئولان نیز در برابر مخاطبان ملزم به پاسخگویی خواهند شد. همچنین، با توجه به تغییرات و تحولات روزافزون آموزش عالی و به تبع آن شیوه‌های نوین حکمرانی، نمی‌توان صرفاً از طریق منابع دولتی آموزش عالی را اداره کرد و در این زمینه نیاز به ساماندهی نظام تأمین مالی دانشگاه‌ها و توانمندسازی بخش غیردولتی احساس می‌شود تا بار تأمین مالی دانشگاه‌ها تا حدودی از دوش دولت برداشته شود. بنابراین، توجه به مشارکت بخش خصوصی و غیردولتی در علم و فناوری مورد تأکید است. شاید بهتر باشد رویکرد نظام سیاستگذاری و قانونگذاری از خصوصی‌سازی نظام آموزش و پرورش عمومی و مدارس کشور به سوی آموزش عالی و دانشگاه‌ها تغییر یابد.

۸. توافق بین مسئولان و کنشگران علم جهت اصلاح و توسعه کیفی نظام آموزش عالی

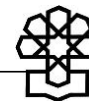
امروزه مخاطبان آموزش عالی خواهان کیفیت هستند و به نوعی بین نهادهای متنوع آموزش عالی آنهایی را انتخاب می‌کنند که از کیفیت مطلوبی برخوردار باشند. در این بین سیاستگذاران آموزش عالی نیز با آگاهی از افت کیفیت و توسعه کمی بی‌رویه خواهان کیفیت بهینه آموزش عالی هستند به گونه‌ای که این امر (ضرورت بهبود کیفیت آموزش عالی) بین سیاستگذاران آموزش عالی به یک گفتمان و دغدغه ملی تبدیل شده است. از آنجایی که یکی از چالش‌های همیشگی سیاستگذاری، عدم توافق بین سیاستگذاران در موضوعات مختلف بوده است، امر کیفیت که هم‌اکنون بحث و گفتمان مشترکی از آن وجود دارد و دانشگاهیان نیز به انحای مختلف به آن پرداخته‌اند، می‌تواند برای نظام آموزش عالی یک ظرفیت محسوب شود. چنین ظرفیتی موجب خواهد شد که بسیج منابع، پشتیبانی، اجرا و به‌طور کلی حرکت در مسیر توسعه کیفی آموزش عالی به بهترین نحو انجام پذیرد.

۹. وجود ظرفیت‌های قانونی در اسناد بالادستی جهت سیاستگذاری‌های کیفی در نظام آموزش عالی

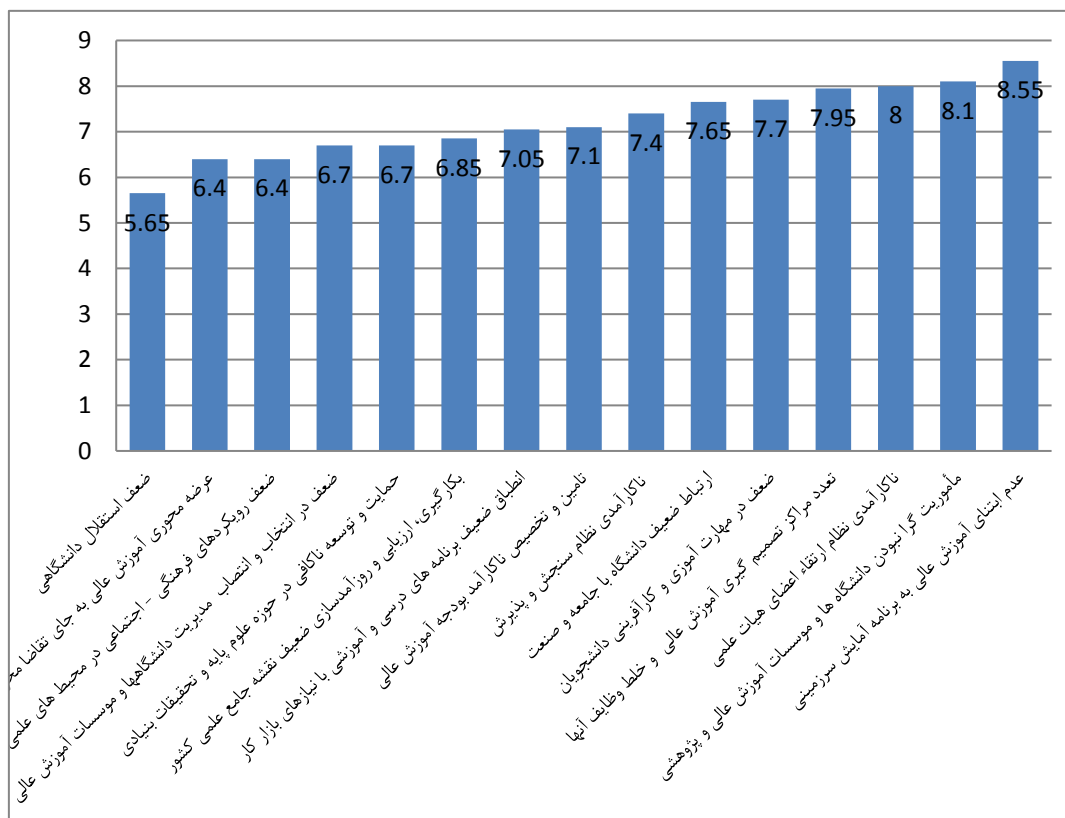
با توجه به موارد اشاره شده درخصوص گسترش کمی و نامتوازن آموزش عالی؛ امر کیفیت اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. از آنجایی که کلیه برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های نهادی اعم از اقتصاد، فرهنگ، سیاست، آموزش عالی و... منبعث و مبتنی بر اسناد بالادستی است. بررسی و تحلیل اسناد حوزه آموزش عالی نشان می‌دهد که موضوع کیفیت آموزش عالی از موارد مهم و مورد تأکید بوده است. چنین ظرفیتی در اسناد می‌تواند مسئولان و متولیان آموزش عالی را جهت بسیج منابع و قرارگیری این مهم در دستور کار سیاستگذاری کمک کند. در هر صورت وجود چنین ظرفیتی می‌تواند برای بهبود آموزش عالی و برای حرکت رو به جلوی آن بسیار مفید باشد. زیرا با فرض نبود چنین ظرفیتی باید یک گام عقب‌تر گذاشت تا اینکه سیاست بهبود کیفیت در اسناد مورد تأکید قرار بگیرد و پس از آن به اجرای آن مباردت ورزید. حال که ظرفیت ارتقای کیفیت آموزش عالی در اسناد وجود دارد؛ بهتر است بر لزوم اجرای این سیاست بیش از پیش تأکید کرد.

اولویت‌بندی چالش‌ها و پیشران‌های آموزش عالی

پس از احصا و شناسایی چالش‌ها از منابع مختلف، بر مبنای ۴ معیار و استفاده از محور مختصات تحلیلی دان با بهره‌گیری از گروه کانونی، اولویت‌ها مشخص شدند.



نمودار ۲. اولویت‌بندی چالش‌های آموزش عالی



در این بخش پس از اشاره به اولویت‌ها و بحث در رابطه با اولویت اول، درخصوص سایر چالش‌ها نیز براساس ۳ نوع برخورد و واکنش (قرارگیری در دستور کار اجرایی، سیاست‌پژوهی و گفتمان‌سازی) نکاتی مطرح خواهد شد. اولویت‌بندی چالش‌های آموزش عالی بدین گونه است:

اولویت اول: عدم ابتدای آموزش عالی به برنامه آمایش سرزمینی

مهم‌ترین چالش آموزش عالی مبتنی نبودن گسترش و توسعه آموزش عالی بر برنامه آمایش سرزمین تشخیص داده شده است. که به‌نظر می‌رسد با توجه به اینکه آمایش با بحث مأموریت‌گرایی دانشگاه‌ها، ارتباط دانشگاه با صنعت، هدایت پژوهش‌ها به سمت حل مسائل کشور، تناسب برنامه‌های درسی با نیازهای بازار کار و مشاغل، اشتغال فارغ‌التحصیلان، تعادل عرضه و تقاضا، نظام ارتقای اعضای هیئت علمی ارتباط وثیقی دارد؛ به درستی در اولویت اول چالش‌های نظام آموزش عالی قرار گرفته است. به‌عبارتی می‌توان این‌گونه مطرح کرد که آمایش به‌عنوان مهم‌ترین چالش در لایه اول قرار دارد که با حل آن بسیاری از چالش‌های آموزش عالی نیز تا حدودی رفع خواهد شد. به‌رای مثال در صورت اجرای سند آمایش (البته این سند نیاز به سیاست‌پژوهی دارد، زیرا هنوز ابعاد مغفولی در این سند وجود دارد) پیوند بین دانشگاه و صنعت برقرار می‌شود. در لایه بعدی دانشگاه‌ها متناسب با ظرفیت‌های منطقه‌ای، مأموریت‌های ویژه می‌یابند. در ادامه آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی متناسب با مأموریت‌های هر

دانشگاه تعریف و بازنگری می‌شود و از حالت یکنواختی که هم‌اکنون دارد؛ خارج خواهد شد. هنگامی که آیین‌نامه ارتقا بر مبنای مأموریت‌ها بازنگری شود؛ پژوهش‌های دانشگاهی سمت و سوی مشخص خواهند یافت و از این منظر ارتباط پژوهش‌ها با مشاغل و نیازها نیز بیشتر خواهد شد و همین امر بُعد اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان را تقویت خواهد نمود. از منظر دیگر این امر موجب بهبود مهارت‌آموزی دانش‌آموختگان خواهد شد.

اولویت دوم: مأموریت‌گرا نبودن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی (این مورد نیاز به سیاست‌پژوهی دارد تا متناسب با ظرفیت‌ها و شرایط محیطی و مسائل کشور (آمایش سرزمین) برای هر دانشگاه مأموریت‌های ویژه‌ای تعریف شود).

اولویت سوم: ناکارآمدی نظام ارتقای اعضای هیئت علمی (با توجه به وجود آیین‌نامه ارتقا باید در این زمینه سیاست‌پژوهی صورت گیرد تا این نظام متناسب با مأموریت دانشگاه‌ها و پژوهش‌های مسئله‌محور ناظر به مسائل کشور مورد بازبینی قرار گیرد).

اولویت چهارم: تعدد مراکز تصمیم‌گیری آموزش عالی و خلط وظایف آنها (به دلیل نبود یک مدل سیاستگذاری متناسب با شرایط و تعدد متولیان آموزش عالی؛ سیاست‌پژوهی برای رسیدن به یک مدل بهینه نیاز است).

اولویت پنجم: ضعف در مهارت‌آموزی و کارآفرینی دانشجویان (با توجه به اینکه این مورد در اسناد بالادستی (به خصوص برنامه ششم توسعه) مورد تأکید ویژه قرار گرفته است و آماده سیاستگذاری است؛ می‌تواند در دستور کار اجرایی کلیه نهادهای آموزش عالی به‌ویژه شورای عالی مهارتی که به تازگی راه‌اندازی شده و دانشگاه فنی و حرفه‌ای به‌عنوان دانشگاهی که وظیفه اصلی در این زمینه بر عهده دارد، قرار بگیرد و بیش از گذشته بر اجرای آن تأکید شود).

اولویت ششم: ارتباط ضعیف دانشگاه با جامعه و صنعت (با توجه به سابقه موضوع، در این خصوص مطالعات بسیاری صورت گرفته است؛ اما هنوز مدل و راهبرد بهینه و قابل اجرایی در این خصوص ارائه نشده است؛ بنابراین جمع‌آوری منابع مطالعاتی در این زمینه و تدوین یک گزارش سیاستی و نیز برگزاری نشست‌های علمی برای تدوین راهکارهای عملیاتی در این زمینه اهمیت دارد).

اولویت هفتم: ناکارآمدی نظام سنجش و پذیرش (این موضوع نیز از موضوعات باسابقه و اصولاً حل نشده نظام آموزشی کشور است. با توجه به توضیحاتی که در این باره در بخش‌های قبلی مطرح شد و نبود مدل بهینه در این زمینه و همچنین شرایط خاص سنجش و پذیرش در کشور؛ طرح سیاست‌پژوهی عمیق برای تدوین و طراحی یک الگوی بهینه سنجش و پذیرش مورد نیاز است).

اولویت هشتم: تأمین و تخصیص ناکارآمد بودجه آموزش عالی (در این باره نیز بحث‌ها و پژوهش‌ها و راهکارهای متنوعی ارائه شده است اما هنوز راهکار عملیاتی و مناسب ارائه نشده است؛ ضعف مدل‌ها



و راهکارهای موجود این است که آنچه را که مطرح می‌کنند موفقیت‌های جزئی یک نمونه خاص از دانشگاه است که قابلیت تعمیم ندارد. بنابراین جمع‌آوری نظرات و پژوهش‌های موجود می‌تواند به ارائه یک گزارش سیاستی مناسب منتهی شود، برگزاری نشست‌های تخصصی نیز در این زمینه برای رسیدن به یک سازوکار مناسب خواهد بود).

اولویت نهم: انطباق ضعیف برنامه‌های درسی و آموزشی دانشگاهی با نیازهای بازار کار (این چالش نیز از موضوعات نسبتاً با سابقه در آموزش عالی کشور است و با وجود گفتمان و بحث آن؛ هنوز راهکار سیاستی ارائه نشده است. اینکه در این خصوص چه رویه‌ای مناسب است تا برنامه‌های درسی دانشگاهی با نیازهای بازار کار منطبق شوند، مشخص نیست. بنابراین سیاست‌پژوهی در این راستا پیشنهاد می‌شود).

اولویت دهم: به‌کارگیری، ارزیابی و روزآمدسازی ضعیف نقشه جامع علمی کشور (این مورد از چالش‌های جدیدی است که پس از ابلاغ نقشه جامع علمی کشور مطرح شده است، با توجه به اینکه این مهم در اسناد نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما درخصوص شیوه مناسب اجرا، ارزیابی و روزآمدسازی آن هنوز ابهام وجود دارد. بنابراین برای اجرای آن نیازمند گفتمان‌سازی و تأکید ویژه و منظور تدوین رویه بازنگری و روزآمدسازی آن نیازمند سیاست‌پژوهی است).

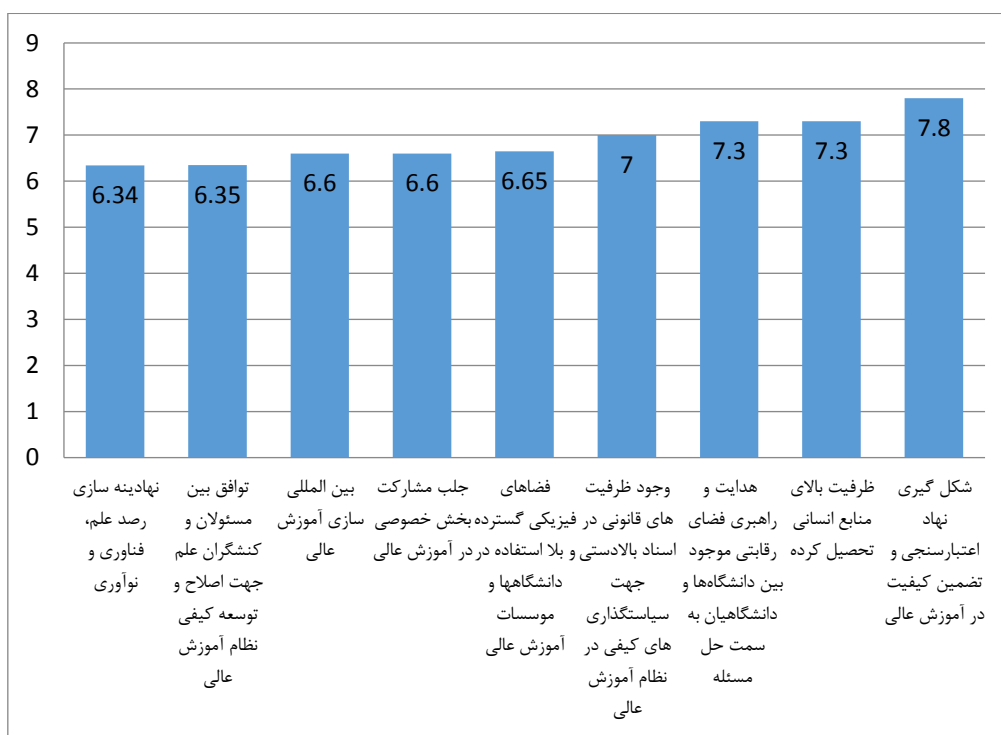
اولویت یازدهم به صورت هم‌ارز: حمایت و توسعه ناکافی در حوزه علوم پایه و تحقیقات بنیادی/ضعف در انتخاب و انتصاب مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (بحث حمایت از علوم پایه و تحقیقات بنیادین نیز از چالش‌های نسبتاً جدید نظام آموزش عالی است. با این حال در اکثر اسناد مورد تأکید قرار گرفته و به‌نظر می‌رسد با توجه به تأکیدات مکرر این مورد می‌تواند در دستور کار اجرایی قرار بگیرد). در بحث انتخاب و انتصاب مدیریت‌های دانشگاهی از آنجایی که آیین‌نامه جامع مدیریت دانشگاهی در این زمینه موجود است، سیاست‌پژوهی و برگزاری نشست‌هایی جهت بازنگری در برخی از بخش‌ها و پس از آن قرار دادن آن در دستور کار اجرایی لازم است).

اولویت دوازدهم به صورت هم‌ارز: ضعف رویکردهای فرهنگی - اجتماعی در محیط‌های علمی/عرضه‌محوری آموزش عالی به جای تقاضا‌محوری (بحث‌های فرهنگی و اجتماعی از موضوعاتی است که در تمامی اسناد و پژوهش‌ها بر آن تأکید شده و اصولاً از مباحث پایه‌ای در نظام آموزش عالی است که تمامی بحث‌های دیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ با این حال انجام سیاست‌پژوهی‌ها، برگزاری نشست‌های تخصصی جهت آسیب‌شناسی در این زمینه و گفتمان‌سازی در این راستا می‌تواند مفید باشد، اخیراً نقشه مهندسی فرهنگی کشور که تأکیدی بر این مقوله دارد نیز از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ شده است. بنابراین قرارگیری این نقشه در دستور کار اجرایی نهادها در این راستا پیشنهاد می‌شود).

(عرضه‌محور بودن آموزش عالی نیز از موضوعات نسبتاً جدید است؛ اینکه چه الگو و راهکار سیاستی در این زمینه می‌تواند ضمن جلوگیری از عرضه بی‌رویه آموزش عالی؛ بین عرضه و تقاضا تعادل برقرار کند موضوعی است که نیازمند سیاست‌پژوهی و همچنین برگزاری نشست‌های تخصصی است).

اولویت سیزدهم: ضعف استقلال دانشگاهی (استقلال دانشگاهی نیز از موضوعات پایه‌ای و حل نشده نظام آموزش عالی است. اینکه دولت ضمن پذیرش استقلال دانشگاه‌ها؛ چگونه تصدیگری خود را کاهش بدهد، امری است که نیازمند سیاست‌پژوهی و نشست‌های تخصصی است تا چگونگی این مهم روشن شود).

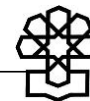
نمودار ۳. اولویت‌بندی پیشران‌های آموزش عالی



پس از اشاره به اولویت‌ها و بحث در رابطه با اولویت اول، درخصوص سایر پیشران‌های آموزش عالی نیز براساس ۳ نوع برخورد و واکنش (قرارگیری در دستور کار اجرایی، سیاست‌پژوهی و گفتمان‌سازی) نکاتی مطرح خواهد شد. اولویت‌بندی پیشران‌های آموزش عالی بدین گونه است:

اولویت اول: شکل‌گیری نهاد اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی

تلاش در جهت شکل‌گیری و یکپارچه‌سازی نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی؛ راهبردی برای استقرار نهاد ملی متولی کیفیت آموزش عالی است. اگر چه ساختاری تحت همین عنوان در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار دارد، اما این امر کارساز نبوده و نیازمند نهادینه شدن امر اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی ذیل نهادی مستقل و فراوزارتی است. بنابراین سیاست‌پژوهی برای رسیدن به مدل عملیاتی جهت تأسیس چنین نهادی مورد تأکید است. این موضوع با توجه به اهمیت آن و ارتباط تنگاتنگ آن با بحث هدایت و راهبری فضای رقابتی بین دانشگاه‌ها، بین‌المللی‌سازی



آموزش عالی و جلب مشارکت بخش خصوصی از اهمیت و اولویت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به مباحث ابتدایی شکل‌گیری چنین نهادی موجب خواهد شد که دانشگاه‌های کشور در یک فضای رقابتی برای نگه داشتن خود در سطح بالای کیفیت؛ مدام تلاش کنند و به‌صورت خودکار کیفیت آموزش عالی را ارتقا خواهند داد. همین موضوع می‌تواند بعد بین‌المللی دانشگاه‌ها را تقویت کند. هنگامی که کیفیت و تضمین آن مورد تأکید باشد؛ بخش خصوصی برای بهره‌مندی از دانشگاه‌های با کیفیت پیش خواهند آمد و آن دانشگاهی که از کیفیت برخوردار باشد در جلب منابع و مشارکت‌های بخش خصوصی بیشتر موفق خواهد شد. ضمناً همان‌طور که بحث شد یکی از ابعاد این نهاد پیوستن به نهادهای بین‌المللی کیفیت است. این موضوع خود نیز در بین‌المللی شدن و ارتقای کیفیت دانشگاه‌ها بسیار مفید خواهد بود.

اولویت دوم به‌صورت هم‌ارز: ظرفیت بالای منابع انسانی تحصیلکرده/ هدایت و راهبری فضای رقابتی موجود بین دانشگاه‌ها و دانشگاهیان به سمت حل مسئله (هر دو مورد نیازمند سیاست‌پژوهی هستند تا ابعاد و چگونگی بهره‌گیری از آنها روشن‌تر شود).

اولویت سوم: وجود ظرفیت‌های قانونی در اسناد بالادستی جهت توسعه کیفی (این مورد نیازمند نشست‌های تخصصی است و پس از آن گفتمان‌سازی).

اولویت چهارم: فضای فیزیکی و گسترده بلااستفاده در دانشگاه‌ها (این مورد نیازمند سیاست‌پژوهی تا میزان و نحوه استفاده از این ظرفیت مشخص شود).

اولویت پنجم به‌صورت هم‌ارز: جلب مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی/ بین‌المللی‌سازی آموزش عالی (با توجه به اینکه هر دو مورد در اسناد بالادستی به کرات مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما هنوز درخصوص شیوه اجرایی آن بحث وجود دارد، بنابراین سیاست‌پژوهی در این راستا و رسیدن به راهبردهای عملیاتی و گفتمان‌سازی پیشنهاد می‌شود).

اولویت ششم: توافق بین مسئولان و کنشگران علم جهت اصلاح و توسعه کیفی آموزش عالی (این مورد نیازمند نشست‌های تخصصی برای رسیدن به راهکارهای عملیاتی است).

اولویت هفتم: نهادینه‌سازی رصد علم، فناوری و نوآوری (این مورد هر چند در اسناد بالادستی مورد اشاره قرار گرفته است، اما هنوز درخصوص مدل خاص آن پژوهشی صورت نگرفته است؛ بنابراین برای مشخص کردن سازوکار خاص این نهاد سیاست‌پژوهی و برگزاری نشست‌های تخصصی می‌تواند مفید فایده باشد).

نتیجه‌گیری

در گزارش حاضر پس از بیان دستاوردهای آموزش عالی، از درون منابع متنوع و با بهره‌گیری از روش کیفی (تفسیری) ۱۵ چالش، ۶ بحران و ۹ پیشران مورد شناسایی و احصا قرار گرفتند. پس از بحث

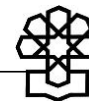
درخصوص هر کدام از موضوعات شناسایی شده، از آنجایی که یکی از موضوعات مغفول در اکثر پژوهش‌ها بی‌توجهی و ارائه اولویت‌ها بود. بر مبنای فرایند روش‌شناختی، چالش‌ها و پیشران‌ها اولویت‌بندی شدند. عدم اولویت‌بندی بحران‌ها به دلیل بعد عمیق و درهم تنیدگی آنها بود (بحران‌ها با گذشت زمان ابعاد عمیقی می‌یابند از این رو ممکن است بحران‌های شناسایی شده، معلول و صورت ظاهری یکسری علت‌ها و معضلات دیگر باشند. بنابراین برای حل آنها نیازمند علت‌شناسی است و اولویت‌بندی معلول‌ها در اینجا اصولاً نمی‌تواند کارساز باشد).^۱

همان‌طور که در گزارش آمده آموزش عالی کشور با چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌های گوناگونی روبه‌رو است. برای مواجهه با رشد و پیشگیری از مسائل جدیدتر باید در حل موارد شناسایی شده در تلاش بود. بی‌توجهی به هریک از موارد می‌تواند چالش را به بحران، بحران را به معضل عمیق‌تر و فرصت‌های موجود در پیشران‌ها را از بین برده و به چالش تبدیل کند. در این میان توجه و پرداختن به اهرم‌های اصلی از اهمیت بیشتری برخوردار است. در بخش چالش‌ها مهم‌ترین چالش عدم ابتدائی آموزش عالی بر برنامه آمایش سرزمینی شناسایی شد. موضوعی که علت بسیاری از چالش‌های دیگر است و با تمرکز و توجه به آن می‌توان به حل بخشی زیادی از چالش‌های دیگر امیدوار بود. در بخش پیشران‌ها نیز از بین موارد شناسایی شده، شکل‌گیری و نهادینه‌سازی اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی از اولویت بالاتری نسبت به سایرین قرار گرفت. از این منظر که با پیگیری و تمرکز بر آن؛ می‌توان برای نظام آموزش عالی کیفیت، کارایی، عملکرد بهینه، رقابت، اعتبار داخلی و بین‌المللی و... متصور شد.

بدون تغییر در الگوهای اندیشه امروز خود، نمی‌توان مسئله‌هایی را که با همین الگوهای فکری ایجاد شده است، حل کرد (آلبرت اینشتین)^۲. بنابراین نکته پایانی؛ پیشنهاد می‌شود که برای حل و پرداختن به موضوعات شناسایی شده که طبیعتاً بخشی از آنها در گذشته به وجود آمده‌اند و نمی‌توان با همان نگاه و سبک گذشته به حل آنها امیدوار بود. لازم است رویکرد مدیران و مسئولان متناسب با این وضعیت تغییر پیدا کند و متناظر با وضعیت‌های جدید، شیوه‌های واکنشی نو و بدیع اتخاذ نمایند. بازبینی سیاست‌ها و بازطراحی برنامه‌های آموزش عالی کشور متناسب با تغییر و تحولات سریع علم و فناوری و اقتضاعات موجود، از پیشنهاداتی است که می‌تواند جهت رفع چالش‌های مذکور، حل بحران‌های مربوطه و اتخاذ پیشران‌های آموزش عالی در دستور بررسی نظام حکمرانی و سیاستگذاری کشور قرار گیرد.

۱. اگرچه در اینجا به برخی از علت‌های بحران‌ها اشاره شده‌اند؛ اما با توجه به ابعاد عمیق موضوع، نیازمند مطالعه بیشتری است.

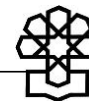
۲. ایکاف، راسل؛ بازآفرینی سازمان: طرحی برای سازمان‌های سده بیست‌ویکم، مترجمان: تقی ناصر شریعتی، اسماعیل مردانی گیوی، سیاوش مریدی، نشر سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۹۵.



منابع و مأخذ

۱. امین مظفر، فاروق. مطالعه سیاست‌زدگی مدیران نظام آموزش‌عالی با رویکرد کیفی، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۴، ش ۷، ۱۳۹۴.
۲. انتظاری، یعقوب. شصت سال آموزش‌عالی تحقیقات و فناوری در ایران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش‌عالی، ۱۳۹۱.
۳. ایکاف، راسل. بازآفرینی سازمان: طرحی برای سازمان‌های سده بیست‌ویکم، مترجمان: تقی ناصر شریعتی، اسماعیل مردانی گیوی، سیاوش مریدی، نشر سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۹۵.
۴. بازرگان، عباس و لیلا، فشالنج. فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها: موردی از آموزش‌عالی ایران، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱۱، ش ۴، ۱۳۹۴.
۵. باقری‌مقدم، ناصر و حسن، احمدی. آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش‌عالی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۴، ش ۴، ۱۳۹۷.
۶. البرزی‌دعوتی، هادی و اکبر، نصرالهی. تحلیل روندها و پیشران‌های مؤثر بر خبر صدا و سیما در ۵ سال آینده، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۲۵، ش ۲، ۱۳۹۷.
۷. بوذری، سیما. آمایش آموزش‌عالی در پهنه جغرافیایی کشور، فصلنامه مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش‌عالی، دوره ۲۲، ش ۳، ۱۳۹۵.
۸. بیگزاده، صفر. تبیین جایگاه حقوقی نهادهای تصمیم‌ساز در نظام علوم، تحقیقات و فناوری ایران، فصلنامه حقوق اداری (علمی-پژوهشی)، سال ششم، ش ۱۹، سال ۱۳۹۸.
۹. پژوهشکده مطالعات فناوری، بررسی تطبیقی وضعیت کشور در مهاجرت و جابه‌جایی بین‌المللی افراد تحصیلکرده، ۱۳۹۵.
۱۰. جعفرزاده، احمد و عبدالمحمد، مهدوی و فریبا، خالقی‌سروش. بررسی موانع و ارائه راهکارهای توسعه روابط متقابل صنعت و دانشگاه در ایران، دانش مدیریت، ش ۷۱، ۱۳۸۴.
۱۱. جلالی، محمد و کیومرث، قنبری. آسیب‌شناسی کارکرد مراجع سیاستگذار و تصمیم‌گیر در حوزه آموزش‌عالی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۸، ۱۳۹۷.
۱۲. سیدعلیرضا، حسینی‌بهشتی. سه آفت علوم انسانی در ایران معاصر، دوفصلنامه دانشگاه امروز، دانشگاه در ایران: ظرفیت‌های اکنون و فرصت‌های آینده، سال سوم، ش ۴، ۱۳۹۸.
۱۳. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد علم و فناوری، معاونت نظارت و ارزیابی، گزارش عملکرد حوزه علم و فناوری کشور، ۱۳۹۷.
۱۴. ذاکر‌صالحی، غلامرضا. مسائل آموزش‌عالی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی-اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۷.
۱۵. ذوعلم، علی. تأملی در مفهوم چالش، ماهنامه زمانه، ش ۳۶، ۱۳۸۴.
۱۶. رشید حاجی خواجه‌لو، صالح و یوسف، زلفی‌اقدام و احسان، پروین. تدوین نظام مسائل آموزش‌عالی ایران، مجمع عالی بسیج، ۱۳۹۶.
۱۷. رضوی‌نژاد، سیدامین و حمیدرضا، ملک‌محمدی. درآمدی تحلیلی بر مسئله‌شناسی در سیاستگذاری امنیتی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، ش ۲۷، ۱۳۹۷.
۱۸. زمانی، بی‌بی‌عشرت و سیدامین، عظیمی و نسیم، سلیمانی. شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر سرقت علمی دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش‌عالی، ش ۶۷، ۱۳۹۲.

۱۹. سبحانی، عبدالرضا و نسیم، شهیدی. آسیب‌شناسی کنکور و بررسی امکان حذف آن در نظام پذیرش دانشجو، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۱۳۸۶.
۲۰. شاه‌آبادی، ابوالفضل و مرضیه، صالحی. تأثیر توسعه صادرات با فناوری بر تر بر مهاجرت نخبگان در کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منطقه منا)، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۴، ش ۳، ۱۳۹۸.
۲۱. شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش ملی پایش و ارزیابی علم، فناوری و نوآوری (سال ۱۳۹۷)، پاییز ۱۳۹۸.
۲۲. عبدالملکی، حجت‌ا.... دانشنامه دستاوردهای ۴۰ ساله انقلاب اسلامی؛ جلوه‌هایی از عظمت ملت ایران، جلد دوم: علم و فرهنگ، معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نوبت چاپ: اول، آبان ۱۳۹۷.
۲۳. عزیزی، نعمت‌اله. «بررسی چالش‌ها و نارسایی‌های تحصیلات دانشگاهی در حوزه علوم انسانی، تأملی بر نظرات دانشجویان»، آموزش عالی ایران، ش ۲، ۱۳۸۷.
۲۴. غفرانی، محمدباقر. مسائل ساختاری نظام آموزش عالی ایران و راه‌های برون‌رفت از آن در برنامه چهارم، فصلنامه راهبرد مجلس، سال ۱۰ ش ۴۱، ۱۳۹۰.
۲۵. فائض، علی و علی، شهابی. ارزیابی و اولویت‌بندی موانع ارتباط دانشگاه و صنعت (مطالعه موردی شهرستان سمنان)، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال چهارم، ش ۲، تابستان ۱۳۸۹.
۲۶. فراستخواه، مقصود. دانشگاه ایرانی و مسئله کیفیت، نشر آگاه، ۱۳۸۸.
۲۷. فراستخواه، مقصود. «گاه و بی‌گاه دانشگاه در ایران؛ مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه‌پژوهی، مطالعات علم و آموزش عالی، فصل دهم، انتشارات آگاه، ۱۳۹۶.
۲۸. فکوهی، ناصر. چالش‌ها و چشم‌اندازها در آموزش عالی ایران، دوفصلنامه دانشگاه امروز: دانشگاه در ایران، ظرفیت‌های اکنون و فرصت‌های آینده؛ سال سوم، ش ۴، ۱۳۹۸.
۲۹. قلی‌پور، رحمت‌اله و سیدرضا، سیدجوادین و محمدولی، روزبهان. طراحی الگوی شایستگی مدیران دانشگاهی مبتنی بر سند دانشگاه اسلامی، مدیریت منابع در نیروی انتظامی، دوره ۶، ش ۲، ۱۳۹۷.
۳۰. گزارش وب‌آو ساینس در بازه زمانی ۲۰۱۸-۲۰۱۴.
۳۱. مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار، ۱۳۹۵.
۳۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «وضعیت ایران در گزارش رقابت‌پذیری جهانی سال ۲۰۱۹»، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۸.
۳۳. مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت، گزارش «ناسب تحصیلات و مشاغل دانش‌آموختگان دانشگاهی»، ۱۳۹۸.
۳۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سنجش و پذیرش دانشجو در جهان، الگوها و مدل‌ها، دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ، ش ۱۶۵۳۹، ۱۳۹۸.
۳۵. مستقیمی، بهرام. در باب تعریف بحران در نظام بین‌المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۳، ش ۱۱۳۷، ۱۳۷۳.
۳۶. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴، ۱۳۹۶.
۳۷. نیستانی، محمدرضا و ریحانه، رامشگر. نقش فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه در توسعه فرهنگی جامعه، مهندسی فرهنگی، سال هشتم، ش ۷۶، ۱۳۹۲.
۳۸. ورنزد، هیر و لوکای، وبر. «چالش‌های فراوری آموزش عالی در هزاره سوم، ترجمه: گروه مترجمان، به کوشش رضا یوسفیان، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۸۱.
۳۹. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، گزارش جهانی کارآفرینی ۲۰۱۸، ترجمه: دفتر توسعه کارآفرینی و



بهره‌وری نیروی کار.

۴۰. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۴۰ سال عملکرد و فعالیت‌های دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور در حوزه ارتباط با صنعت، معاونت پژوهش و فناوری دفتر ارتباط با صنعت، ۱۳۹۷.

41. Dunn. W, N. Public Policy Analysis; (Pearson Education Limited; ISBE: 1292020210, 9781292020211, 2014).
42. Fischer, F, and Gerald J. M. eds. Handbook of Public Policy Analysis: Theory, Politics, and Methods, (Routledge, 2007).
43. <https://irandoc.ac.ir/about/fast-fact>
44. International Property Rights Index 2019.
45. J. Brainard, J. You, Rethinking Retractions, Science, 362, 2018.
46. The Global Talent Competitiveness Index 2019.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۷۵۱

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: دستاوردها، چالش‌ها، بحران‌ها و پیشران‌های آموزش عالی

نام دفتر: مطالعات فرهنگی (گروه آموزش عالی)

تهیه و تدوین: حسین نصیری

اظهار نظر کننده: احمد داوری

مدیر مطالعه: سینا کلهر

ناظران علمی: صادق ستاری فرد، سینا کلهر

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. آموزش عالی

۲. دستاورد

۳. چالش

۴. بحران

۵. پیشران



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۹/۱۹